

چند پیام بیت العدل اعظم الهی

از انتشارات

مجله پیام بدیع

۱۷۰ بدیع

آگست ۲۰۱۳

تیر ماه ۱۳۹۲

ELEVENTH INTERNATIONAL
BAHÁ'Í CONVENTION



اعضای بیت العدل اعظم
منتخب در یازدهمین کانوشن بین المللی

هو الله

ای خداوند مهربان یاران در کشور ایران
اسیر مستکارانند و مبتلا در دست هر جا هلی نادان...
ای پروردگار کارگزار کنه کاران را می پسند و دست تطاول
ظالمان را کوثاه فرما نفوس را هدایت کن و بد خویان
را خوشخو فرما ظالمان را عادل کن و لثیمان را باذل فرما
غافلان را هشیار کن و خفتگان را بیدار نما. اسیران
نفس و هوی را آگاه کن و مقیدان غیل و بغض را رهائی
بخش نایارانت در مهده امن و امان آسایش یابند و از
دست درندگان خلاصی جویند و بآنچه سزاوار
درگاه احدیت است قیام نمایند، توئی مقتدر و توانا
و توئی عزیز و کریم و مهربان

انتخاب اعضاء بيت العدل اعظم

يازدهمین کانونشن بین المللی بهائی

یازدهمین کانونشن بین المللی بهائی برای انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم در دوره پنج ساله آینده، از ۲۹ آوریل تا ۲ مه در شهر حیفا در ارض اقدس با شرکت بیش از ۱۰۰۰ نماینده (اعضاء محافل ملی) از ۱۵۷ کشور جهان تشکیل گردید.

یازدهمین کانونشن بین المللی با پنجاهمین سالگرد آغاز این انجمن ها در سال ۱۹۶۳ هم زمان بود.

انتخابات در روز ۳۰ آوریل انجام گردید. در حدود ۴۰۰ نماینده که قادر به شرکت در این گردهم آیی نبودند، رأی خود را با پُست ارسال کرده بودند.

برای نزدیک به سه ساعت، نمایندگان شرکت کننده در این انجمن، به صف و به ترتیب الفبائی نام کشورها، روی صحنه محل برگزاری انتخابات رفتند و آرای خود را یک به یک در صندوق چوبی ساده ای ریختند. هریک از آرای افراد غائب توسط یکی از ناظران انتخابات به محل صندوق آورده می شد و بعد از بیرون آوردن رأی از پاکت حاوی نام نماینده، آن رأی به صندوق انداخته می شد. در جریان رأی گیری، روش هایی برای اطمینان از

ادامه در صفحه ۶۸

پیام بیت العدل اعظم

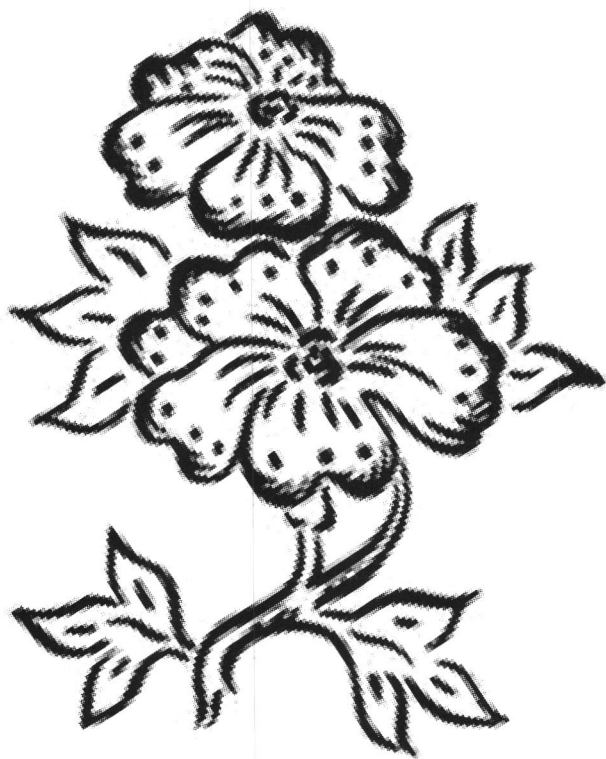
۲۷ ژوئن ۲۰۱۲، ترجمه‌ای از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی
خطاب به کلیه محافل روحانی ملی

محافل روحانی ملی ملاحظه فرمایند
دوستان عزیز و محبوب،

حسب الامر بیت العدل اعظم به اطلاع شما می‌رسانیم که اعلان بنای
دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی در پیام رضوان ۲۰۱۲ معهد
اعلی در سراسر جهان با شور و هیجان فراوان مورد استقبال قرار گرفته و
تقدیم تبرّعات به صندوق مخصوص مشرق‌الاذکار نیز شروع شده است. در
این فضای سرشار از شوق و اشتیاق، معهد اعلی به ویژه از دریافت اشاراتی
مبنی بر این که احبّای عزیز ساکن ایران بسیار مشتاقند که به موهبت تقدیم
تبرّعات به این صندوق فائز گردند، عمیقاً مسرور و مشعوف گشتند ولی
معتقدند که یک چنین تبرّعات مالی از طرف بهائیان ایران در این ایام ممکن
است از جانب دشمنان امرالله سوء تعبیر شده منجر به ورود صدمات جدیدی
بر اعضای ممتحن آن جامعه مظلوم و ستم‌دیده گردد. بنابراین توصیه فرمودند
که بهتر است پیروان باوفای جمال قدم در آن سرزمین مقدّس کماکان به
صرف منابع مالی خود در راه بهبود اجتماع و تمشیت امور جامعه خویش
ادامه دهند. در عین حال، آرزوی قلبی این مؤمنین ثابت قدم برای پیشبرد
مصلح امر الهی و برآوردن نیازهای آن در سراسر جهان نیز نباید بدون پاسخ

ماند. از این رو، بیت العدل اعظم تصمیم گرفته‌اند که به نیابت از طرف احبّا
جان‌فشان مهد امرالله، مبلغ پنج میلیون دلار به صندوق مشرق‌الاذکار تبرّع
نمایند.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت العدل اعظم



بیت العدل اعظم الهی و نصوص مبارکه

حضرت بهاء الله در لوح اشراقات می فرمایند: "رجال بیت العدل الهی باید در لیالی و ایام به آنچه از افق سماء قلم اعلی در تربیت عباد و تعمیر بلاد و حفظ نفوس و صیانت ناموس اشراق فرموده ناظر باشند." و در الواح مبارکه وصایا آمده: "و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانایی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند."

و در کتاب مفاوضات مذکور: "بیت العدل عمومی اگر به شرایط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود، آن عدل در تحت عصمت و حمایت حق است آنچه منصوص کتاب نه و بیت العدل به اتفاق آراء یا اکثریت در آن قرار دهد، آن قرار و حکم محفوظ از خطاست. حال اعضای بیت عدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیأت بیت عدل در تحت حمایت و عصمت حق است. این را عصمت موهوب نامند."

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱۹۲۴ فرموده اند: "و چون بیت العدل عمومی از حیث آمال به حیث شهود و عمل قدم نهد و صیتش در کل اکناف و اقالیم مرتفع و مشتهر گردد، آن وقت این هیئت مجلله که بر اساس متین و رزین تام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمد و مستفیض به وضع و اجرای مشروعاتی متقنه و

اقداماتی کلیّه و تأسیساتی باهره پردازد و به این واسطه امر الهی صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز گردد.

و در توقیع دور بهائی آمده: "باید به خاطر داشت که الواح حضرت بهاءالله بالصّراحه حاکی از آن است که اعضای بیت‌العدل در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمه مکملّه کتاب اقدس، مسئول منتخبین خود نمی‌باشند و نباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیه و حتّی عقائد جمهور مؤمنین و مؤمنات و یا نفوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب نموده‌اند قرار گیرند، بلکه باید همواره در حال توجّه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و بر ایشان فرض است که به اوضاع و احوال جاریّه هیئت جامعه آشنایی کامل حاصل نمایند و به قضایای مرجوعه بدون شائبه غرض رسیدگی کنند، ولی حقّ نهایی تصمیم را برای خویش محفوظ دارند. کلمه مبارکه آنّه یلهمم ما یشاء اطمینان صریح حضرت بهاءالله به این نفوس است و بنابراین فقط این نفوس مهبط هدایت و الهامات الهیه‌اند نه هیأت منتخبین که رأساً و یا به طور غیرمستقیم ایشان را انتخاب می‌نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهایی این ظهور اعظم است."

پیام بیت‌العدل اعظم الهی

ترجمه پیام بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان،
رضوان ۲۰۱۳ م. (۱۷۰ بدیع)

ستایندگان **اسم** اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند
دوستان عزیز،

قلم اعلیٰ با این بیانات روح‌افزا ظهور یوم‌لقا و یوم‌حصاد را
توصیف می‌نماید: “کتاب الهی ظاهر و کلمه ناطق” و در ادامه می‌فرماید:
“ای دوستان الهی بشنوید ندای مظلوم را و به آنچه سبب ارتفاع امر الهی
است تمسک نمایید.”

حضرت بهاء‌الله سپس خطاب به پیروان خود می‌فرماید: “به کمال
روح و ریحان به مشورت تمسک نمایید و به اصلاح عالم و انتشار امر مالک
قدم عمر گرانمایه را مصروف دارید.”

همکاران محبوب: مشاهده مساعی فداکارانه شما عزیزان در قبال
دعوت جمال اقدس ابهی، بیانات شورانگیز فوق را بی‌اختیار به خاطر
می‌آورد. پاسخ شکوهمند مردم به ندای آن منجی امم از هر طرف به گوش
می‌رسد و نفوسی که در پیشرفت نقشه ملکوتی تفکر و تأمل می‌نمایند
نمی‌توانند اثرات قوه غالبه کلام الهی را بر قلوب زنان و مردان، کودکان و
جوانان هر کشور و هر محدوده جغرافیایی نادیده بگیرند.

جامعه‌ای که در سراسر گیتی استقرار یافته، توانایی خود را پرورش می‌دهد تا قرائتی دقیق از اطراف خود به دست آورد، امکانات موجود را بسنجد و روش‌ها و ابزار نقشه پنج ساله را مدبرانه به کار ببرد. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در محدوده‌هایی که مرزهای یادگیری آگاهانه گسترش داده می‌شود، کسب تجربه با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد. در چنین محدوده‌هایی اهمیت و کارایی ابزار موجود برای توانمندسازی تعداد فزاینده‌ای از افراد برای خدمت، به خوبی درک شده است. یک مؤسسه آموزشی پویا و فعال به منزله محور اصلی اقدامات جامعه برای پیشبرد نقشه انجام وظیفه می‌نماید و مهارت‌ها و قابلیت‌های حاصله از طریق شرکت در دوره‌های مؤسسه در اولین فرصت در میادین خدمت به کار برده می‌شود. برخی در تعاملات روزانه خود نفوسی را ملاقات می‌کنند که آماده کاوش مطالب روحانی در محیط‌های مختلف هستند؛ عده‌ای می‌توانند پاسخگوی آمادگی روحانی افراد در دهکده‌ها و یا محله‌ها باشند و شاید به آن نقاط نقل مکان کنند. بسیاری برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های مختلف قیام نموده و به صف خادمی چون راهنمایان حلقه‌های مطالعه، مشوقین گروه‌های نوجوانان، و معلمین کودکان و یا افرادی که به اداره و هماهنگ‌سازی امور مشغول‌اند و یا به طرق دیگر فعالیت‌های جامعه را حمایت می‌کنند، می‌پیوندند. تعهد احباء به یادگیری از طریق تداوم مجهودات خود و اشتیاق به همراهی کردن دیگران ابراز می‌گردد. به علاوه آنان دو چشم‌انداز مکمل از الگوی عملی را که در محدوده جغرافیایی در حال شکل‌گیری است، قویاً مد نظر دارند: یکی ادوار سه ماهه فعالیت یعنی نبض منظم برنامه رشد است و

دیگری مراحل متمایز فرایند آموزش برای کودکان، برای نوجوانان، و برای جوانان و بزرگسالان. احتیاء با درکی روشن از روابطی که این سه مرحله را با هم مرتبط می‌سازد، از این نکته نیز مطلع‌اند که هر مرحله‌ای خصوصیات، مقتضیات و امتیازات ذاتی خود را دارد. بالاتر از این، همگی واقف بر تصرفات قوای عظیم روحانیته‌ای هستند که اثراتش را هم در آمار کمی پیشرفت جامعه و هم در شرح توفیقات و انتصارات حاصله می‌توان ملاحظه نمود. آنچه مخصوصاً مایه امیدواری است اینست که بسیاری از این ویژگی‌های متمایز و برجسته که از خصوصیات پیشرفته‌ترین محدوده‌های جغرافیایی می‌باشد، در جوامعی که مراحل بسیار ابتدایی‌تری از رشد را می‌گذرانند نیز دیده می‌شود.

با عمیق‌تر شدن تجارب دوستان، توانمندی آنان نیز برای ترویج یک الگوی غنی و زیبای زندگی در یک محدوده جغرافیایی افزایش یافته است، الگویی که صدها یا حتی هزاران نفر را در بر می‌گیرد. بینش‌های متعددی که این خادمین عزیز امرالله از مساعی خود کسب می‌نمایند، موجب خرسندی فراوان است، از جمله آن که: پیشرفت تدریجی نقشه در سطح محدوده جغرافیایی، فرایندی است پویا با ماهیتی الزاماً پیچیده که نمی‌توان آن را پدیده‌ای ساده انگاشت؛ این فرایند با افزایش توانایی در پرورش منابع انسانی و در هماهنگ نمودن و سازمان دادن اقدامات قائمین به خدمت به پیش می‌رود؛ با ازدیاد این توانایی‌ها، تسلیق طیف وسیع‌تری از ابتکارات، امکان‌پذیر می‌شود؛ عنصر جدیدی که به نقشه اضافه می‌شود تا مدتی نیاز به توجّه خاصّ دارد، ولی این توجّه به هیچ وجه از اهمیت سایر جوانب

فعالیت‌های جامعه‌سازی نمی‌کاهد، چه اگر قرار است یادگیری شیوه عمل جامعه باشد، باید مترصد امکانات بالقوه‌ای بود که هریک از ابزار نقشه در یک مقطع زمانی خاص ارائه می‌دهد و در صورت لزوم می‌بایست انرژی بیشتری صرف توسعه آن نمود، اما این بدان معنا نیست که همه افراد باید در همان جنبه نقشه مشغول خدمت باشند؛ تمرکز عمده قسمت ترویج در هر دوره برنامه رشد، نباید لزوماً معطوف به یک هدف باشد، بدین معنی که مثلاً در یک دوره ممکن است شرایط ایجاد کند که دعوت نفوس به اقبال به امر مبارک، از طریق مجهودات فشرده تبلیغی افرادی یا جمعی مورد توجه قرار گیرد و در دوره‌ای دیگر این توجه می‌تواند به ازدیاد یک فعالیت اصلی خاص معطوف گردد.

به علاوه، احبای عزیز آگاهند که سرعت پیشرفت امور امری که در هر حال پدیده‌ای ارگانیک است، در نقاط مختلف به دلایل منطقی متفاوت است و در نتیجه مشاهده هر موفقیتی موجب سرور و دل‌گرمی آنان می‌گردد. در واقع نفعی را که از کمک هر فرد عاید پیشرفت کل می‌شود قدر می‌دانند و بدین ترتیب خدمت هر فرد به فراخور امکانات شخصی او مورد استقبال همگان قرار می‌گیرد. گردهمایی‌های منعقدۀ برای تأمل و تفکر بیش از پیش فرصتی انگاشته می‌شود که در آن تمامی فعالیت‌های جامعه موضوع شور و مشورتی جدی و روح‌افزا می‌باشد. شرکت کنندگان از همه دست‌آوردهای حاصله مطلع می‌شوند و در پرتو آن، مفهوم مساعی خود را بیشتر درک می‌کنند و با برداشت بهتری از توصیه‌های مؤسسات و بهره‌گیری از تجارب دیگران، دانش خود را درباره فرایند رشد افزایش می‌دهند. این گونه تبادل فکر

و تجربه، در فضاهاى متعدّد دیگری برای مشورت در بین کسانی که به مساعى خاصى مشغول‌اند، اعمّ از این که خطّ مشى مشترکى رادنبال مى‌نمایند یا در بخشى از محدوده جغرافیایى خدمت مى‌کنند نیز انجام مى‌شود. همه این بینش‌ها جزئى از درک وسیع‌ترى از این واقعیت است که پیشرفت، به آسان‌ترین وجه در محیطى حاصل مى‌گردد که سرشاز از عشق و محبت است، کاستى‌ها با بردبارى نادیده گرفته مى‌شود، موانع با شکیبایى برطرف مى‌گردد، و رویکردهایِ آزمون شده با اشتیاق پذیرفته مى‌شود. بدین ترتیب با هدایت مؤسسات و نهادهای امرى که در سطوح مختلف انجام وظیفه مى‌کنند، کوشش احباء، هرچند در سطح فردى مختصر باشد، در یک کوشش جمعى ادغام مى‌گردد تا استعداد روحانى برای پذیرش ندای جمال مبارک به سرعت شناسایی شود و به نحوى مؤثر پرورش یابد. بدیهى است یک محدوده جغرافیایى که دارای این شرایط باشد، محلّى است که در آن روابط بین فرد، مؤسسات و جامعه - سه اجراکننده نقشه - به نحوى مطلوب در حال تکامل است.

با ملاحظه این اقدامات موفقیت‌آمیز، یک نکته درخور توجه خاصّ است. در پیام رضوان سه سال قبل اظهار امیدوارى نمودیم که در محدوده‌های جغرافیایى با برنامه فشرده رشد، احباء بتوانند با ایجاد مراکز فعالیت فشرده در محله‌ها و دهکده‌ها، یادگیرى خود را درباره راه‌های جامعه‌سازى افزایش دهند. توفیقات حاصله، از انتظارات این جمع فراتر رفته است زیرا حتّى در محدوده‌هایی که برنامه رشد از تحرّک لازم برخوردار نیست، مساعى چند نفر به منظور شروع فعالیت‌های اصلی نقشه در بین

ساکنان یک ناحیه کوچک، کارآیی خود را مکرراً به ثبوت رسانده است. این رویکرد در اصل بر استقبال مردم از تعلیم حضرت بهاءالله تمرکز می‌یابد، مردمی که برای تقلیب روحانی منبعث از ظهور حضرتش آمادگی دارند و مشتاق‌اند که از طریق شرکت در فرایند آموزشی ارائه شده توسط مؤسسه آموزشی، رخوت و بی تفاوتی حاصله از نیروهای اجتماع را کنار گذاشته، به جای آن الگوهای از عمل را که باعث ایجاد تحوّل در زندگی می‌شود دنبال کنند. در هر مرحله یا هر دهکده‌ای که این رویکرد چند سالی توسعه یافته و احباء تمرکز خود را حفظ کرده‌اند، نتایج قابل ملاحظه‌ای به تدریج، ولی قاطعانه آشکار می‌گردد. توان‌دهی به جوانان موجب می‌شود تا مسئولیت پیشرفت اطرافیان جوان‌تر از خود را به عهده بگیرند. بزرگسالان از مشارکت جوانان در گفتگوهای پُرمحتوا و سودمند راجع به امور تمامی جامعه استقبال می‌کنند. دست‌آوردهای حاصله از طریق فرایند آموزشی جامعه، توان‌مندی برای مشورت را در پیر و جوان به طور یکسان ایجاد می‌کند و فضاهای تازه‌ای برای مکالمات هدف‌مند پدیدار می‌شود. با این حال، تغییر و تحوّل صرفاً به بهائیان و افراد دیگری که در فعالیت‌های اصلی نقشه شرکت می‌کنند و قاعدتاً ممکن است انتظار رود که زمانی طرز فکر جدیدی اتخاذ کنند، منحصر نمی‌گردد. جوّ محیط کلاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گرایش به سنایش خداوند در بین گستره وسیعی از جمعیت ایجاد می‌شود. تساوی زن و مرد با جلوه‌های چشم‌گیرتری ابراز می‌گردد. تعلیم و تربیت کودکان اعم از پسر و دختر، مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. خصوصیات روابط درون خانواده که در قالب تصوّرات کهنه قرون و اعصار شکل گرفته، به نحو محسوسی تغییر

می‌یابد. حسن مسئولیت نسبت به جامعه محلی و محیط اطراف خود فراگیر می‌شود. حتی بلای تعصب که سایه شوم خود را بر هر اجتماعی افکنده، به تدریج تسلیم قوای غالبه یگانگی می‌گردد. نهایتاً مساعی جامعه‌سازی احباء بر جوانب مختلف فرهنگ تأثیر می‌گذارد.

با پیشرفت مستمر ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه‌های مهم نیز غالباً به موازات آن‌ها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه‌ها آنست که پیشرفت‌هایی که در سطح فرهنگ برخی از دهکده‌ها و محله‌ها مشاهده می‌گردد تا حدی مدیون آموخته‌های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی بیت‌العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیه نموده که حاوی عصاره تجربه سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند مؤسسه آموزشی تا چه حد به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحریک می‌بخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی‌پذیرد، بلکه تجربه نشان داده است که بینش‌های روحانی و خصایص و توانایی‌های منبعث از فرایند مؤسسه آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است، برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشد. نکته دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترک در حال تکامل و متشکل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند، بر تمامی فعالیت‌های جامعه بهائی حکم‌فرما است، هرچند این عناصر در عرصه‌های متمایز عمل جلوه‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. سند مذکور اخیراً

به محافل روحانی ملی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت می‌نماییم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن می‌تواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصه اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آن‌ها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهم، مجهودات بهائی را افزایش دهد. این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاش‌های گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعه در حال رشد، شروع اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت می‌پذیرد ولی بجاست که اجتناب درباره نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع، عمیق‌تر به تفکر و تأمل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغله بیشتری برای دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌نماید و تمهیداتی در دست تهیه است تا عملیات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

یکی از ویژگی‌های بارز دوازده ماه گذشته، ذکر مکرر نام جامعه بهائی در رابطه با فعالیت در زمینه‌هایی بسیار متنوع و همکاری با گروه‌های هم‌فکر برای بهبود اجتماع بوده است. رهبران فکری در سطوح مختلف اجتماع، از دوایر بین‌المللی گرفته تا جوامع روستانشین، این نکته را اذعان کرده‌اند که بهائیان نه تنها قلباً خواهان رفاه عالم انسانی هستند، بلکه درباره آنچه باید انجام شود درکی روشن دارند و از ابزاری مؤثر برای تحقق آمال خود برخوردارند. این قدرشناسی‌ها و حمایت‌ها هم‌چنین از جانب گروه‌هایی ابراز شده است که در گذشته انتظار نمی‌رفت. به عنوان مثال در مهد امرالله، علی رغم موانع سهمگینی که ستم‌گران بر سر راه جامعه بهائی قرار داده‌اند، بهائیان به خاطر مقتضیات و تأثیرات عمیقی که پیام حضرت بهاء‌الله برای

آینده کشورشان در بر دارد، بیش از پیش پذیرفته شده و به دلیل عزم
 راسخ‌شان برای کمک به پیشرفت وطن عزیزشان، مورد احترام می‌باشند.

مصائب احبای ثابت قدم ایران بخصوص در چند دهه‌ای که از آغاز
 موج اخیر تضییقات می‌گذرد، برادران و خواهران روحانی آنان را در سایر
 کشورها بر آن داشته تا به دفاع از حقوق آن مظلومان برخیزند. از جمله
 مواهب گران‌بهایی که به برکت این استقامت سازنده نصیب جامعه جهانی
 بهائی شده، تأسیس شبکه‌ای چشم‌گیر از دفاتر مخصوص در سطح ملی
 می‌باشد که به طور سیستماتیک با دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی رابطه
 برقرار ساخته است. به موازات توسعه این دفاتر، فرایندهای نقشه‌های متوالی
 توانایی جامعه را برای مشارکت در گفتمان‌های رایج در فضاهای گوناگون، از
 مکالمات شخصی تا اجتماعات بین‌المللی، افزایش داده است. در سطح
 مردمی، این کار از طریق همان رویکرد ارگانیک که موجب ازدیاد تدریجی
 اشتغال احباء به اقدام اجتماعی می‌شود، به طور طبیعی گسترش می‌یابد و
 هیچ‌گونه تلاش خاصی برای تحرک بخشیدن به آن لازم نیست. اما در سطح
 ملی، شرکت در گفتمان‌های رایج اکثراً مطمح نظر این دفاتر است که
 هم‌اکنون در ده‌ها جامعه ملی مشغول فعالیت هستند و برطبق الگوی مؤثر و
 آشنای عمل، تأمل، مشورت و مطالعه به کار خود ادامه می‌دهند. به منظور
 افزایش این‌گونه مجهودات و با هدف تسهیل یادگیری در این عرصه، و برای
 تضمین انسجام این اقدامات با سایر مساعی جامعه بهائی، اخیراً در مرکز
 جهانی بهائی "دفتر گفتمان‌های عمومی" را تأسیس نموده‌ایم تا با پیشبرد
 تدریجی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و تنظیم تجارب، محافل روحانی ملی را

در این میدان کمک نماید.

پیشرفت‌های امیدوارکننده‌ای در میادین دیگر نیز دیده می‌شود. در سانتیاگو در کشور شیلی، کار ساختمان اُم‌المعابد امریکای جنوبی با سرعت ادامه دارد. بتون‌ریزی شالوده، زیرزمین و تونل خدمات و هم‌چنین ستون‌های بنای اصلی تکمیل شده است. شور و اشتیاق نسبت به ساختمان مشرق‌الاذکار سانتیاگو رو به فزونی است و احساس مشابهی در هفت کشوری که قرار است مشرق‌الاذکارهای ملی یا محلی در آن‌ها بنا گردد نیز در حال افزایش است. در هریک از این ممالک با استفاده از تبرّعاتی که احبّاء به صندوق مشرق‌الاذکار تقدیم می‌دارند، هم‌اکنون تمهیدات لازم آغاز گردیده، اما ملاحظات عملی از قبیل خریداری زمین، تهیّه طرح ساختمان و تأمین منابع مالی فقط یک جنبه از مشغله احبّاء است. این عزیزان اساساً وظیفه‌ای روحانی در پیش دارند که تمامی جامعه در آن مشارکت می‌کند. حضرت عبدالبهاء از مشرق‌الاذکار به عنوان "مغناطیس تأیید پروردگار"، "اساس عظیم حضرت آمرزگار" و "رکن رکنین آیین کردگار" نام می‌برند. این بنیاد عظیم در هر کجا که تأسیس گردد طبیعتاً جزء لاینفک فرایند جامعه‌سازی محیط اطرافش خواهد بود. آگاهی نسبت به این واقعیت در بین آحاد مؤمنین در شهرهایی که قرار است مشرق‌الاذکار در آن‌ها تأسیس گردد، در حال افزایش است و یاران الهی در این نقاط به خوبی درک می‌کنند که حیات جمعی‌شان باید به نحو فزاینده‌ای بازتاب تلفیق عبادت و خدمت باشد، تلفیقی که مشرق‌الاذکار در آن تجسّد می‌بخشد.

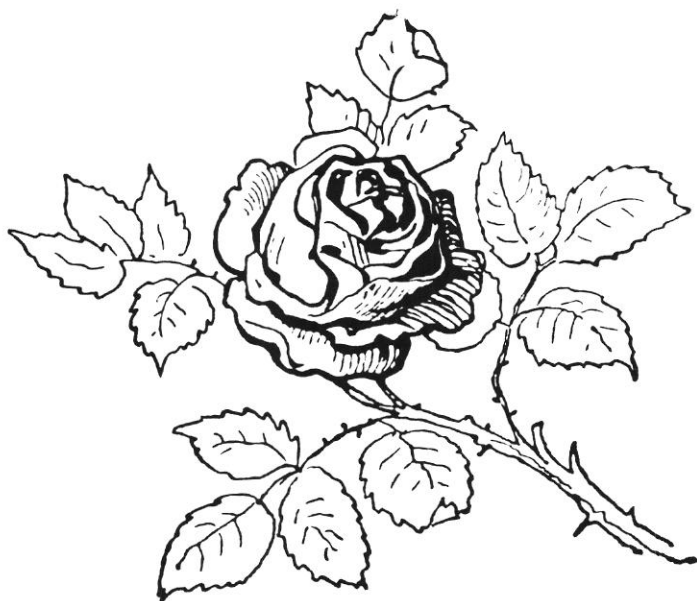
بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که جامعه جهانی بهائی در هریک از

میادین مختلف مستمراً به پیش می‌رود، ادراکش گسترش می‌یابد، مشتاق کسب بصیرت از تجارب می‌باشد، آماده است تا هرگاه منابعش اجازه دهد وظایف جدیدی را به عهده گیرد، در پاسخگویی به ضروریات تازه چالاک است، از لزوم انسجام در بین عرصه‌های مختلف فعالیتی که به آن اشتغال دارد آگاه بوده و خود را کاملاً وقف ایفای مأموریت خویش نموده است. اشتیاق و اشتغال جامعه در شور و هیجان عظیم حاصله از دعوت به برگزاری نود و پنج کنفرانس جوانان نمایان است. سرور و شادی این جمع نه تنها از استقبال جوانان عزیز از این کنفرانس‌ها بلکه هم‌چنین از اعلام حمایتی است که دیگر احبای الهی ابراز نموده‌اند، احبایی که نقش حیاتی پیروان جوان‌تر حضرت بهاءالله را برای ایجاد تحرک و پویایی در تمامی هیکل امرالله درک می‌کنند و ارج می‌نهند.

قلوب این مشتاقان از مشاهده شواهد پی در پی انتشار پیام شفابخش حضرت بهاءالله و گسترش دامنه آگاهی از منویات عالی‌هش مشحون از امیدواری است. در این ایام پُر میمنت جشن و سرور، آن "یوم فرح اکبر"، عید اعظم رضوان یک قرن و نیم پیش را به خاطر می‌آوریم که جمال اقدس ابهی امر اعظمش را برای اولین بار به ملازمین حضورش در باغ نجیبیه اعلان فرمود. از آن مکان مقدس کلام الهی به هر شهر و دیار و هر برّ و بحر منتشر شده و نوع انسان را به لقای پروردگارش فرا می‌خواند و از آن نخستین سرمستان باده عشق الهی، جامعه‌ای متنوع و هدف‌مند ظاهر و چون گل‌هایی رنگارنگ در بوستان پرورده ید عنایتش شکوفا گردیده است. با گذشت هر روز تعداد بیشتری از نوآگاهان غیور دست دعا و مناجات به سوی روضه

مبارک‌ه‌اش بلند می‌کنند و این مستمندان نیز در همان مقام اطهر، به یاد آن
یوم فرخنده و به شکرانهٔ جمیع مواهبی که حضرتش به جامعهٔ اسم اعظم عطا
فرموده، در نهایت تضرع و تبذل سر تعظیم به عتبهٔ مقدسش فرو می‌آوریم.

بیت‌العدل اعظم



ترجمه‌ای از پیام بیت‌العدل اعظم الهی

خطاب به بهائیان جهان، ۱ مه ۲۰۱۳

پیروان جمال قدم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند
دوستان عزیز و محبوب،

استقبال جوانان عزیز بهائی و دوستان‌شان و به راستی استقبال جوامع بهائی در سراسر عالم از اعلان نود و پنج کنفرانسی که مقرر است طی ماه‌های ژوئیه و اکتبر در اطراف جهان برگزار گردد چنان خارق‌العاده بوده که تمهیدات موجود برای حضور همه مشتاقان شرکت در این گردهم‌آیی‌ها کافی به نظر نمی‌رسد و نیاز به تشکیل کنفرانس‌های بیشتری اکنون واضح شده است. لذا در این ایام که اعضای محافل روحانی ملی برای شور و مشورت در یازدهمین کانونشن بین‌المللی حضور یافته‌اند، فرصت را مغتنم شمرده با نهایت سرور برگزاری نوزده کنفرانس دیگر را در نقاط زیر اعلام می‌داریم: برتوا، بریزبین، بیدور، بیرات ناگار، جورج تاون (گایانا)، سیاتل، کاکایان دی اورو، کامپانگ تام، کیگوما، لس‌آنجلس، ماهیکنگ، مونتریال، میلن بی، مینیاپولیس، نوکوالوفا، نوندو (جمهوری دموکراتیک کنگو)، واشنگتن دی سی، وینتیان و هوستن.

این پاسخ مسرت‌بخش نمایانگر انرژی سرشار و خلوص جوانان است. نهایت سعی و کوشش را برای کمک به این نور دیدگان باید مبذول

داشت تا به ادامهٔ انجام مسئولیت‌های خود مَوْفِق شوند.
 امید چنان است که این نورچشمان عزیز دامنهٔ فعالیت‌هایی را که
 جامعهٔ بهائی می‌تواند به آن پردازد گسترش دهند. به شکرانهٔ قابلیتِ جمعی
 خدمت که جمال اقدس ابهی به وفور به پیروان جوانش عطا فرموده، سرِ
 سپاس به آستان مقدّسش فرو می‌آوریم و از ساحت اقدسش می‌طلبیم که
 این قابلیت در راه پیشبرد مصالح عالم بشری به عرصهٔ شهود درآید.

بیت العدل اعظم



پیام بیت‌العدل اعظم الهی

نوروز ۱۳۹۲

بندگان راستان حضرت رحمان در سرزمین مقدّس ایران ملاحظه فرمایند

با قلبی سرشار از محبّت و وداد، نوروز فرخنده و سال نو را به شما عزیزان دل و جان و همهٔ مردم پاک سرشت ایران تبریک و تهنیت می‌گوییم. شهرالعلماء، ایّام مبارک صیام و دوران پُر موهبت تجدید قوای روحانی به پایان رسید، زمستان پُر مرارت و برودت سپری گشت و شهرالبهاء، سرآغاز فصل پُرطراوت بهار جان‌فزا فرا رسید. این تغییراتِ عالم طبیعت یادآوری است از حلول بهاری معنوی که با طلوع امر حضرت ربّ اعلیٰ مبشّر و منادی تجدید حیات روحانی در این عصر نورانی و با ظهور حضرت بهاءالله مظهر کَلّی الهی و بانی تمدّنی بدیع و جهانی آغاز گردید. همان‌گونه که از نفخهٔ بهار دل‌نشین، جهان مشکین و عنبرین می‌شود و دشت و صحرائی بی‌گیاه از نو سبز و خرم می‌گردند، قوای منبعث از نسایم جان‌بخش این بهار پُرانوار نیز عالم وجود را حیاتی تازه بخشد و آن را برای ترقّیات شگرف مادی و معنوی آماده نماید، فرا رسیدن بلوغ جمعی نوع بشر را نوید دهد و ملل و اقوام مختلف را به سوی دنیایی مخصّص به اصل وحدت در کثرت به پیش بَرَد. خوشا به حال شما برگزیدگان حضرت کبریا که به نور ایمان منورید، به خُلق و خوی رحمانی مَرَبِّید، در ایجاد این تقلیب روحانی کوشایید و در راه کمک به تأسیس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه از هیچ‌گونه فداکاری و از جان‌گذشتگی دریغ ندارید. شما یید پیش‌تازانِ جنود ملکوت الهی و شما یید خادمانِ عالم انسانی که در لهیب امتحان چون زَر ناب رُخ برافروخته‌اید و در طوفان افتتان خاموش و افسرده ننشسته‌اید. در اعتاب مقدّسهٔ علیا به یاد شما عزیزان به دعا مشغولیم.

بیت‌العدل اعظم

پیام بیت‌العدل اعظم خطاب به بهائیان ایران ۱۳ شهرالجمال ۱۷۰، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

پیروان امر حضرت یزدان در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

ورود بیش از هزار نماینده منتخب جوامع ملی بهائی از سراسر عالم به ارض اقدس برای شرکت در یازدهمین کانونشن بین‌المللی بهائی با چنان شور و هیجان و شکوه و جلالی همراه بود که مشاهده آن بی‌اختیار اشک شوق از دیدگان جاری می‌ساخت. اجتماع این خادمان محترم امرالله از زن و مرد و از اقوام و نژادهای گوناگون جهان، نمایی از تنوع نوع بشر بود و گویای دخول امر مبارک به مرحله جدیدی از تمکن در بین جوامع محلی و اقوام مختلف در تمام قارّات عالم و حاکی از تأییدات ملأ اعلی و تأثیرات مساعی خستگی‌ناپذیر پیروان حضرت بهاءالله در راه استقرار ملکوت الهی بر عرصه غبرا. انتخاب اعضای بیت‌العدل اعظم الهی در نهایت خلوص و روحانیت و الفت و محبت و عاری از آرایش‌های انتخاباتی دنیای مادی انجام گردید. در هریک از جلسات شور و مشورت که موفقیت‌های جامعه جهانی بهائی مورد گفتگو قرار می‌گرفت، ذکر تأثیرات مشهود قوای روحانی متبعت از فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های شما عزیزان ورد زبان و محور کلام

بود. دسته گلی زیبا یاد احبّای عزیز مهد امرالله را هر لحظه در خاطر زنده نگه می داشت. در روز دوّم کانونشن، پس از شنیدن شرحی از احساسات خالصانه شما عزیزان نسبت به جمال اقدس ابهی و آمادگی تان برای استقامت سازنده در راه اعلای امر نازنینش، عده ای از نمایندگان از قاره افریقا به طور دسته جمعی به ترنم سرودی روح افزا به افتخار آن محبوبان دل و جان پرداختند. در ایّام تشرّف نمایندگان به روضه مبارکه و مقامات مقدّسه در ادعیه قلبیه یاد می شدید و در طول این مؤتمر فرخنده، این بیان شیرین مولای محبوب در گوش جان طنین انداز بود: "در محفل اُنسیم، در محضر قدسیم، هم ساکن فردوسیم، ای جای تو خالی ای جای تو خالی."

برگزاری این انجمن شور روحانی بین المللی مصادف بود با پنجمین سال مسجونیت اعضای هیئت سابق یاران که برای خدمت به بهائیان ایران به تمشیت امور جامعه مشغول بودند و با دوّمین سال دست گیری عزیزانی که با خلوص نیّت به تدریس علوم و فنون مفیده به جوانان بهائی اشتغال داشتند، جوانانی که به دستور دولت مردان وطن خویش، به خاطر عقاید خود از تحصیلات عالیه محروم گشته اند. این وقایع اسفبار هر دو، نمادی از ظلم و ستمی است که بر کلیّه بهائیان ایران وارد می شود و در طیّ دوازده ماه گذشته، بدون هیچ دلیل موجهی، شدّت یافته و از اطفال صغیر تا سالمندان ضعیف را در بر گرفته است. این جور و عدوان منبعت از تعصّب و نادانی، دامن گیر بسیاری از دیگر شهروندان غیور آن سرزمین نیز گردیده و موجب شده است تا عده ای از برجسته ترین و لایق ترین فرزندان آن آب و خاک، به بهانه های سخیف و بی پایه در زندان بسر برند. گویی عاملین این مظالم نه

تنها به رضای حق و آسایش خلق بی اعتنا هستند، بلکه از پیامدهای زیان‌بار اجتماعی، اقتصادی، روانی و معنوی اعمال‌شان برای کشور باستانی ایران و ملت شریف آن نیز پروایی ندارند.

بغض و تعصب دیده‌باطن را کور می‌کند، کاردانی و قضاوت صحیح را از انسان سلب می‌نماید و البته بی‌تدبیری نیز به دنبال می‌آورد. هدف پوچ مسئولین امور از تشدید تضییقات، صرفاً تضعیف روحیه بهائیان و اطفای نار موقده الهیه است. ولی از این نکته غافل‌اند که طوفان عناد هر چقدر ازدیاد یابد، هرگز سراج برافروخته‌ی قدرت الهی را خاموش ننماید، بلکه بالعکس شدت معاندت موجب اشتعال نار محبت‌الله در قلوب مستعدّه گردد. این بیدادگران ناآگاه، وقتی که از تعدّیات همه جانبه خود نتیجه دلخواه نمی‌گیرند، به دنبال طرق دیگری برای اعمال فشار و سرکوبی می‌گردند. با دشمنان دیرینه امرالله هم‌دست می‌شوند تا به زعم باطل خود، با کاشتن بذر شک و شبهه در قلوب احباء، در جامعه ایجاد اختلاف و نفاق نمایند. زمانی که گفتمان‌های شما را در زمینه جامعه‌سازی برای دوستان، آشنایان و همسایگان‌تان مؤثر و جذّاب می‌یابند، به تحریف حقایق و کژنمایی واقعیّات می‌پردازند و به تلاشی مذبوحانه برای انتشار شایعات دروغ و مباحث سفسطه‌آمیز دست می‌زنند تا چون ایام گذشته، با پیش کشیدن مسائل خشک مذهبی، گفتگوهای مفید و صمیمانه را با مجادله لفظی جای‌گزین کنند.

آنچه همگان، حتّی معاندین متعصّب به آن اذعان دارند اینست که علی‌رغم شدت مصائب و کثرت موانع، شما عزیزان در مقابله با مشکلات همچون کوه ثابت و راسخید، زیرا تحمّل صدمات و مشقّات در سبیل دوست

یکتا را موهبت کبری می‌دانید و آگاهید که به فرمودهٔ مرکز میثاق "همیشه نفوس طیّبه در بند راحت و آسایش خویش نبودند، بلکه محض نورانیت عموم از نوش گذشتند و تحمّل نیش فرمودند." با صبر و سکون به راه خود ادامه می‌دهید و بیانات مولای حنون را مدّ نظر دارید که می‌فرمایند: "عبدالبهاء را سجن آزادیست و زندان ایوان روحانی و کند و زنجیر، گردش و گل‌گشت در حدیقهٔ نورانی. حصیر سریر است و چاه اوج ماه." به علاوه به خوبی می‌دانید که استقرار ملکوت الهی در این جهان پُر آشوب کار آسانی نیست. ایمانی راسخ، توکلی کامل، همّتی بلند، روحیه‌ای شکست ناپذیر، تلاشی مستمرّ و صبر و تحمّل بی‌پایان می‌خواهد. بر سنّت خداوندی واقفید و کوشش‌های خود را چون بذری می‌دانید که دهقان ملکوتی در کشتزار خود می‌افشاند. حصول ثمر و جمع‌آوری خرمن، وقت و حوصله می‌خواهد و زحمت و مشقّت می‌طلبد، ولی با نزول برکات الهی برداشت محصول موفور قطعی و حتمی است. مطمئن هستید که همان گونه که دانه به فیض باران و کوشش باغبان به مرور زمان به درختی تنومند و بارور تبدیل می‌شود، از خودگذشتگی‌های شما عزیزان و مساعی دیگر بهائیان جهان نیز به طوری که شواهد آن در سراسر عالم ظاهر و آشکار و در این کانونشن بین‌المللی بارز و عیان بود، با الطاف و عنایات خداوندی در میقات معین، ثمراتعالیه به بار خواهد آورد، قلوب را روشن خواهد کرد، جهان تاریک را رشک گلزار و چمن خواهد نمود و بالمآل وحدت عالم انسانی را محقّق خواهد ساخت.

الحمد لله شما باسلان مضمار عبودیت در عرصهٔ ایمان و میدان خدمت گوی سبقت را ربوده‌اید و تحسین و تمجید آشنا و بیگانه را به خود

جلب نموده‌اید. در اعتاب مقدسه علیا به یاد فرد فرد شما خادمان عزیز و
باوفای حضرت کبریا دست به دعا برمی‌داریم و مزید تأیید و توفیق‌تان را
مستلت می‌نمائیم.

بیت‌العدل اعظم



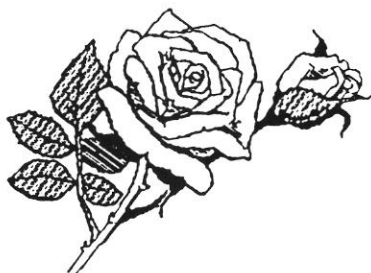
ستایندگان اسم اعظم در مهد امرالله

اول فروردین ۱۳۹۰

می‌فرمایند: "ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمایید که قسم یاد نموده‌ام از ظلم آحدی نگذرم." و رای مصائبی که شما را از هر جهت احاطه نموده بنگرید و به بینش شکوهمند این امر اعظم که اصلاح عالم و سعادت اُمم است ناظر باشید. با تأسی به حیات هیاکل مقدّسه امرالله و نیاکان روحانی خود و بر طبق مَثَل بارزی که خود در طی سی سال گذشته به جهانیان ارائه داده‌اید در شداید صبور و بردبار بمانید، به فداکاری‌های الهام‌بخش خود ادامه دهید و سهم خود را در بنای جهان و ایرانی متحد، آباد و آزاد بیش از پیش ادا نمایید.

در اعتاب مقدّسه علیا به یاد فرد فرد شما عزیزان هستیم.

بیت العدل اعظم



پیام بیت‌العدل اعظم خطاب به بهائیان ایران

۵ ایّام هاء ۱۶۸؛ ۱۱ اسفند ۱۳۹۰

احبّای باوفای حضرت بهاء‌الله در کشور مقدّس ایران ملاحظه فرمایند

ماه مبارک صیام که هر ساعتی از آن، به فرمودهٔ قلم اعلیٰ، به فضیلتی مخصّص است، فرا رسیده و دل‌باختگان جمال جانان در سراسر جهان آماده‌اند تا از قوای مکنونهٔ روحانیّهٔ این ایّام بهرهٔ وافر ببرند و روح و جان را نشئه‌ای تازه بخشند. ادای روزه با خلوص نیت جاذب تأییدات الهی و موجب تذکّر و تنبّه و صفای قلب است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: “خوشا به حال نفوسی که در ماه صیام روزه گرفتند و به کمال اتّحاد و اتّفاق پرداختند و از شبهات رستند و به استقامت و ثبوت بر عهد پیوستند.” هیکل مبارک “صیام جسمانی” را رمزی از “صیام روحانی” یعنی “کفّ نفس از جمیع شهوات نفسانی و تخلّق به اخلاق روحانی و انجذاب به نفحات رحمانی” توصیف می‌فرمایند. پس در این ایّام مکرم به آستان مقدّس جمال قدم تضرّع و تبّل کنید و دعا و مناجات نمایید. باشد که به برکات فداکاری و استقامت سازندهٔ شما، تأییدات و توفیقات جدیدی نصیب جامعهٔ اسم اعظم در مهد امرالله گردد. برادران و خواهران روحانی شما در سراسر عالم نیز در این ایّام پُر برکت صیام، با شما هم‌دل و هم‌رازند و دست نیاز به درگاه

حضرت بی‌نیاز بلند کرده، فراغت و آسایش شما و دیگر شهروندان رنج‌دیده
 آن مرز و بوم و هم‌چنین ترقی و سربلندی آن کشور مقدّس را از آستانش
 رجا می‌نمایند. این جمع نیز همواره به یاد آن فارسان میدان وفا و عاشقان
 جمال کبریا و سایر مردم شریف ایران، به درگاهش ملتجی و الطافش را
 ملتمسیم.

بیت‌العدل اعظم



۱۴ شهرالملك ۱۶۸؛ ۲۰ فوریه ۲۰۲۲

نامه دارالانشاء بیت عدل اعظم در مورد نام نویسی دانشجویان بهائی در دانشگاه‌ها

جناب آقای... و سرکار خانم... ، ایتالیا
یاران عزیز روحانی،

مکتوب مورخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۱ آن دوستان ارجمند حاوی سئوالاتی
پیرامون هدایات مندرج در نامه ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ دارالانشاء مرکز جهانی به
بیت العدل اعظم الهی واصل گردید. این نامه خطاب به یکی از احتبای ساکن
ایالات متحده آمریکا و در جواب سئوالاتی بود که ایشان از طرف یکی از
جوانان عزیز مهد امرالله به مرکز جهانی ارسال نموده بودند. معهد اعلی مقرر
فرمودند به قرار ذیل مرقوم گردد.

توجه شما به مصالح امری و تأکید شدید آن عزیزان بر لزوم اطاعت
تمام از احکام الهی مورد تحسین معهد اعلی قرار گرفت. در مورد سابقه
محرومیت جوانان بهائی ایران از تحصیلات عالی، همانطور که مستحضرید،
پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، دانشجویان بهائی از دانشگاه‌های
کشور اخراج شدند و اساتید بهائی از سمت‌های خود برکنار گردیدند. این
اقدام در راستای سیاست‌گذاری رسمی دولت بود و جزئی از مخالفت
سازمان یافته‌ای است که به منظور نابود کردن جامعه بهائی در مقام نهادی

زنده و پویا در آن مملکت همواره در جریان است. سند محرمانه‌ای که در سال ۱۳۶۹ از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر شد و به تصویب مقام رهبری رسید، موضع جمهوری اسلامی ایران را نسبت به جامعه بهائی روشن ساخت و مشخص نمود که باید با بهائیان به نوعی رفتار شود که "راه ترقی و توسعه آنان مسدود شود." بخشی از این سند تحت عنوان "جایگاه فرهنگی"، صریحاً اعلام می‌دارد که بهائیان باید "در دانشگاه‌ها، چه در ورود و چه در حین تحصیل، چنانچه احراز شد بهائی‌اند، از دانشگاه محروم شوند." به منظور عملی کردن این هدف و با علم به این که بهائیان ایمان خود را انکار نخواهند کرد، با قید ستون مذهب، یعنی سؤال مستقیم از دین داوطلب در فرم امتحان ورودی دانشگاه‌های کشور، عملاً راه ورود جوانان بهائی را به دانشگاه‌ها مسدود نمودند.

در حالی که در داخل مملکت مسئولین امور برای ممانعت جوانان بهائی از ورود به دانشگاه‌های کشور سرسختانه تلاش می‌کنند، سیاست دولت آن است که در خارج از کشور در جواب اعتراضات شدید همگانی، اصرار ورزد که در ایران کسی به خاطر عقاید مذهبی از تحصیلات عالی محروم نمی‌شود و بهائیان نیز از تحصیلات عالی محروم نیستند. نمایندگان دولت در مکاتبات رسمی خود با سازمان‌های جامعه بین‌المللی ابراز می‌دارند که ذکر دین در اوراق امتحانات ورودی دانشگاه‌ها، به عقاید مذهبی دانشجویان ارتباطی ندارد، بلکه به رشته مطالعات مذهبی وی اشاره می‌کند. بعضی از مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی در گردهم‌آیی‌های بین‌المللی اعلان می‌کنند که بهائیان مانند شهروندان دیگر حق ورود به دانشگاه‌ها را دارند،

دانشجویان بهائی در دانشگاه‌های ایران مشغول تحصیل هستند و حتی اساتید بهائی هم در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند. سُفرای جمهوری اسلامی در ممالک مختلف نیز این قبیل اکاذیب را کتباً و شفاهاً تکرار می‌کنند.

مطالعه دقیق مقررات ثبت نام در آزمون سراسری سال ۱۳۹۱، به خوبی نشان می‌دهد که شرایط شرکت در این امتحانات به نحوی طرح‌ریزی شده است که به اجرای همین سیاست‌ها در داخل و خارج مملکت کمک کند. ملاحظه فرمایید که در قسمت مشخصات فرد داوطلب، ستون مذهب یا سؤال مستقیم از دین متقاضی درج نشده و سؤال شماره ۱۵ تقاضانامه به وضوح مربوط به معارف مذهبی که دانشجو امتحان خواهد داد، می‌باشد. ولی در قسمت "شرایط عمومی"، "اعتقاد به اسلام و یا یکی از ادیان مصرح (کلیمی، مسیحی، زرتشتی) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" به عنوان شرطی برای شرکت در این امتحان ذکر شده است. مسئولین امور امیدوارند که از یک طرف با حذف ستون مذهب در قسمت مشخصات فردی، جامعه بین‌المللی را متقاعد سازند که مذهب، نقشی در ورود جوانان به دانشگاه‌ها ندارد و از طرف دیگر به این نکته دل بسته‌اند که جوانان بهائی "اعتقاد به اسلام" را تدین به دین اسلام تعبیر نموده، در امتحان ورودی دانشگاه‌ها شرکت نکنند و کار را برای دولت جمهوری اسلامی آسان‌تر سازند.

هدایات بیت‌العدل اعظم در این مورد بر دو نکته مهم و اساسی متکی می‌باشد. اول آن که در دیانت بهائی تقیه یا انکار عقیده و ارائه اطلاعات غلط راجع به دین ممنوع است و این مسئله‌ای نیست که تحت هیچ

شرایطی وجه‌المصلحه قرار گیرد. دوّم آن که بهائیان داوطلبانه از حقّ تحصیلات عالی خود نخواهند گذشت. وقتی که در سال ۱۳۸۵ نماینده دولت ایران به جامعه بین‌المللی توضیح داد که ذکر دین در اوراق امتحانات ورودی دانشگاه‌ها به عقاید مذهبی دانشجو ارتباطی ندارد، بلکه به رشته مطالعات مذهبی وی اشاره می‌کند، جوانان بهائی ایران در نهایت انعطاف‌پذیری این توضیحات را پذیرفتند و در امتحانات شرکت جستند. اگرچه این ابراز حُسن نیت، مشکل دانشجویان بهائی را نهایتاً حلّ نکرد ولی حال در این مورد بخصوص نیز با قبول شکل ظاهری آنچه نمایندگان جمهوری اسلامی بر زبان می‌رانند، می‌توان چنین برداشت نمود که چون مسئولین امور ادّعا می‌کنند که بهائیان مانند دیگر شهروندان آزادند در امتحانات ورودی دانشگاه‌ها شرکت نمایند، منظورشان از کلمات "اعتقاد به اسلام" تدیّن به اسلام نیست. در هرحال، اعتقاد به اسلام و مذاهب دیگر و قبول حقایق این ادیان الهی، از جمله اصول دیانت بهائی است و بیان این حقیقت روحانی در این شرایط، تقیّه محسوب نمی‌شود.

جوانان عزیز بهائی آزادند که در صورت تمایل و با توجّه به دو نکته فوق و بدون اعتنا به نیت مسئولین امور در طرح این‌گونه سئوالات و با آگاهی بر این که حتّی بعد از ورود به دانشگاه، به محض شناسایی شدن از آن مؤسسات آموزشی اخراج خواهند شد، هر فرصتی را که روزنه امیدی برای حلّ مشکل تحصیلات عالی خود می‌بینند، دنبال کنند و بدین نحو هم جدیّت خویش را در تمسّک به احکام الهی به ثبوت رسانند و هم اشتیاق شدید خود را به آموزش عالی نشان دهند.

معهد اعلی در اعتاب مقدّسه مزید تأیید و توفیق شما را از آستان
جمال اقدس ابھی مسئلت می نمایند.

با تقدیم تحیات
دارالانشاء بیت عدل اعظم



دستخط های بیت العدل اعظم

پیام نوروزی سال ۱۳۹۱

پیروان حضرت بهاء الله در کشور مقدّس ایران ملاحظه فرمایند

با قلبی سرشار از محبّت و اشتیاق، فرا رسیدن عید سعید نوروز را به آن عاشقان جمال رحمان و همه ایرانیان پاک جان تبریک می گویم. بهار ظاهری به فرموده حضرت عبدالبهاء نمادی است از بهار روحانی و همان گونه که این تجدید فصل به عالم طبیعت جانی تازه و صفایی بی اندازه می بخشد در این عصر جدید روحانی نیز پرتو انوار یزدانی بر قلوب صافیه می تابد، نسائم روح پرور الهی بر گلزار افنده منیره می وزد و سبب آگاهی و بیداری نفوس هوشمند و نیک اندیش می گردد. حال که از مواهب معنوی ایام صیام بهره وافر برده و بیش از پیش از باده محبت الله سرمست گشته اید، امیدواریم که در این اوقات فرخنده، علی رغم مشکلات فراوان، فرصتی بیابید تا از پیک شادی آور نوروز و روایح امیدبخش این روز پیروز حظی برید و جان و روان را توانی تازه بخشید.

در این ایام خوش بهاری به آنچه در ایران و اکناف جهان می گذرد بیندیشید و ملاحظه فرمایید، که چگونه فداکاری و صبر و شکیبایی شما عزیزان در برابر مصائب بی پایان توجّه و ستایش همگان را جلب نموده و ثمراتی بس گرانبها به بار آورده است. یکی از ارزنده ترین دست آوردهای

حاصله از این ثبوت و رسوخ، آگاهی یافتن هم‌میهنان شما به حقایق تاریخ و تعالیم امر مبارک و روش و سلوک بهائیان و آرمان‌های بشردوستانه جامعه بهائی است. در نتیجه جم غفیری از ایرانیان به مظلومیت شما پی برده و بهائیان را شهروندانی دلسوز می‌بینند، که بر اساس اعتقادات خود همواره آبادی و سربلندی ایران را مدّ نظر دارند و در اعمال و رفتارشان تلاش می‌کنند تا پیک دوستی و آشتی و مروج اتحاد و اتفاق در بین مردمان باشند. آگاهی این زنان و مردان آزاده ایران بر حقایق آیین بهائی، سبب شده است که عده بی‌شماری در آموزه‌های این آیین راه حلی برای مشکلات ایران بیابند. این تحوّل مهم تاریخی را ارج نهید و الطاف حیّ قدیر را شاکر و سپاس‌گزار باشید. الحمد لله شما عزیزان، با توکل به خدای مهربان و اطمینان از تأییدات پروردگار مئان، این قدرت و صلابت را یافته‌اید که محدودیت‌های بشری را زیر پا گذارید و با وجود استمرار بی‌عدالتی‌های فاحش، با عزمی راسخ، راه خود را به سوی اهداف متعالی خویش ادامه دهید.

در اعتاب مقدسه علیا مزید الطاف و عنایات الهی را برایتان مسئلت می‌نمائیم.

بیت العدل اعظم

پیام بیت‌العدل اعظم

۴ شهرالعیاء ۱۶۵ بدیع ، ۵ مارچ ۲۰۰۹

ستاینندگان اسم اعظم و یاوران ممتحن جمال قدم در کشور مقدس ایران
ملاحظه فرمایند

ای حاملان امانت الهیّه،

در چند هفته اخیر توجّه جهانیان بیش از پیش به مظالم جدیدی که
پیروان حضرت بهاءالله در آن سرزمین با آن روبرو هستند معطوف بوده است.
بی‌اساس بودن اتهامات علیه هفت نفر اعضای محترم یاران، ناروا بودن جور
و ستم نسبت به دیگر زندانیان بی‌گناه بهائی و ادامه فشار و تضيیقات علیه
اعضای جامعه اسم اعظم، موضوع بحث و مذاکرات عمومی در سراسر عالم
می‌باشد. ثبوت و رسوخ شما عزیزان و تمرکز افکارتان بر اداره امور زندگی،
انجام وظائف روحانی و خدمت به وطن گرامی، و هم‌چنین وقار و متانت و
روحیه استقامت سازنده شما در مقابله با مشکلات بی‌شمار، تحسین همگان
را برانگیخته است.

دادستان کلّ کشور اخیراً اعلان داشته‌اند که وجود هیئت‌های یاران و
خادمین در ایران غیرقانونی است. این اعلان با توجّه به این که نهادهای
مختلف دولتی در طیّ ۲۰ سال گذشته با این هیئت‌ها مرتباً در ارتباط و از

فعالیت آن‌ها آگاه بوده‌اند تعجب‌آور است. اعضای محترم یاران از سلول زندان چنین اظهار داشته‌اند که اگر ترتیب کنونی برای ادارهٔ جامعهٔ بهائی دیگر مورد موافقت دولت نیست، اعلان تعطیل آن اشکال بزرگی برای جامعهٔ بهائی ایجاد نخواهد کرد و تأکید نموده‌اند که این رویکرد صرفاً به این منظور اتخاذ گردیده که جامعهٔ بهائی بار دیگر حُسن نیت خود را به روال گذشته به دولت جمهوری اسلامی ایران نشان دهد.

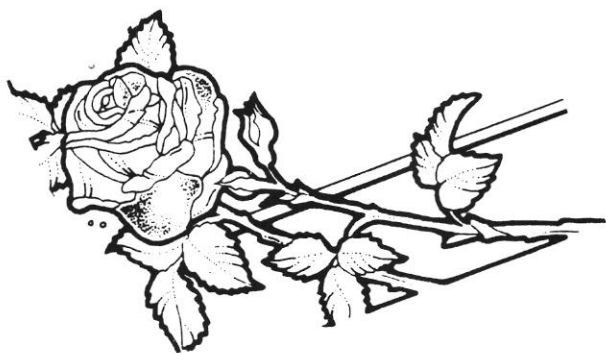
تصمیم هیئت یاران و حکمت و مصلحت آن در شرایط کنونی مورد قبول این جمع است.

مسجونیت آن امنای حضرت رحمان که با کفایت و درایت شایان به خدمت برادران و خواهران روحانی خود در آن سرزمین مقدس مشغول بوده‌اند، اجرای این تصمیم را به عهده هیئت‌های محترم خادمین در سراسر ایران محوَل می‌نماید. خادمین عزیز به نوبهٔ خود سرمشق فداکاری و از خودگذشتگی در راه خدمت به امر الهی بوده‌اند. با آگاهی کامل به تدبیر و کاردانی ایشان، مطمئن هستیم که آن نفوس برازنده با رعایت موازین لازم، کار هیئت‌های خود را در این زمان با روشی مناسب پایان خواهند داد. هم‌چنین اطمینان داریم که توقف کار هیئت‌های یاران و خادمین موجب نگرانی خاصی برای جامعه ستم‌دیدهٔ بهائی ایران نخواهد شد. احبّای عزیز و ممتحن مهد امرالله، آن باسلان میدان خدمت و وفا، با اتّحاد و اتّفاق کامل و با تعاون و تعاضد دائم و البته به مدد تأییدات الهیه، شیوه‌ای شایسته خواهند یافت تا وظایف روحانی و امور اجتماعی خود را سر و سامان بخشند و هم‌چنین کوشش در راه خدمت به وطن عزیز و هم‌وطنان گرامی خود را با

نیتی خالص و ایمانی راسخ دنبال نمایند. تاریخ درخشان ۱۶۵ سال گذشته مؤید این اطمینان است.

محافل روحانی ملی با هم‌کاری دفاتر سازمان ملل، فعالان حقوق بشر و روشن‌فکران، بیش از پیش برای دفاع از حقوق حقّه شما عزیزان در تلاشند. جامعه جهانی بهائی نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۷ خطاب به دادستان کل کشور ارسال داشته و در آن نکاتی اساسی راجع به اعلان اخیر آن مقام را گوشزد نموده است. در این ایام مبارک صیام، خواهران و برادران روحانی شما در سراسر عالم در ادعیه خود به یاد شما هستند و با توسّل به قوای روحانی منبعث از فداکاری‌های شجاعانه شما می‌کوشند که در راه پیشرفت و ترقی امرالله و پیشبرد سعادت و رفاه نوع انسان از هیچ تلاشی دریغ ننمایند. ما مشتاقان نیز در اعتاب مقدّسه علیا به راز و نیاز مشغولیم و در کمال تضرّع و ابتهال از جمال اقدس ابهی مسئلت می‌نماییم که علما و امرا را عدل عنایت فرماید و روز استخلاص و رهایی شما عزیزان از قید تعصّبات واهیه و تضییقات دیرینه هرچه زودتر فرا رسد.

بیت العدل اعظم



۱ شهرالبهاء ۱۶۷، ۲۱ مارس ۲۰۱۰

پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

ای سرمستان جام محبت الله

یوم مبارک نوروز است و قلوب این مشتاقان بیش از پیش متوجه آن شیفتگان جمال جانان. ایامی بس پُر شور و طرب انگیز است و دشت و دَمَن لاله خیز و مشگبیز. در اقلیم شمالیه کره ارض طبیعت جانی تازه یابد و جلوه‌ای بی‌اندازه نماید، حشر و نشری بدیع رخ بگشاید و جوشش و حرکتی جدید در کائنات مشاهده گردد، به خصوص خاکِ پاکِ ایران که رشک فردوس برین است و به فرموده مرکز میثاق "کشورش مهرپرور و دشت بهشت آسایش پُر گل و گیاه جان پرور." ایرانیان پاک نهاد این عید فرخنده ملی را بر حسب سنت دیرینه چندین هزار ساله خود گرامی داشته، در این روز فیروز و آغاز بهار دل‌افروز به سرور و شادمانی می‌پردازند، از کدورت‌ها می‌گذرند و به اُلفت و محبت رو می‌آورند. بهائیان جهان نیز از همه ملل و اقوام، این عید سعید را که منصوص کتاب مستطاب اقدس است، با شکوه و جلالی خاص جشن می‌گیرند و این ایام خجسته را فرصتی برای ایجاد دوستی و آشتی بین نوع بشر و ترویج اتحاد و اتفاق در میان عالمیان می‌شمزند.

سالی که گذشت شاهد وقایع اسف‌انگیز و اندوه‌ناکی برای شما عزیزان و دیگر شهروندان آن سرزمین بود و شاید در این برهه از زمان، با

سرور و شادمانی از نوروز باستانی استقبال کردن چندان آسان نباشد، ولی شما دل‌باختگان جمال ابهی به آینده درخشان ایران مطمئن هستید و به یقین میین می‌دانید که عالم آبستن وقایع عظیمه است و این درد و آلم عمومی و آشوب و هیجان همه جانبه صرفاً رنج سفر در مسیر تحقق وحدت عالم انسانی و تأسیس مدنیت جهانی مورد نظر حضرت بهاءالله است. شما که به اهمیت اجتناب از هر نوع تعصب و خشونت و نفاق واقفید و به قدرت معجزه‌آسای اتحاد و یگانگی که قادر است عالم را به نور خود منور سازد ایمان دارید، و اثرات آن را در جوامع خود دیده و تجربه کرده‌اید، می‌توانید در کاستن رنج و درد دیگر هم‌وطنان عزیز نقشی مؤثر ایفا نمایید.

استقامت سازنده و پشتکار شما عزیزان دل و جان، از پیر و جوان، در تحمّل تضییقات بی‌شمار سال‌های اخیر مورد قدردانی و ستایش این مشتاقان و تحسین مردم جهان است. الحمدلله با توجه کامل به رسالتی که حضرت بهاءالله به پیروان فداکار خود در مهد امرالله عنایت فرموده، به وظایف روحانی خود واقف و به انجام آن قائمید. پس به تسبیح و تقدیس ربّ الجنود پردازید و با شور و اشتیاق به این تاج و هاجی که بر سر دارید افتخار نمایید و از رشته‌ای که دوست حقیقی بر گردنتان افکنده، همواره شاکر و خشنود باشید.

در اعتاب مقدسه علیا به یاد همهٔ مردم شریف ایران به دعا مشغولیم و موهبت آسایش و رخا و صلح و صفا را برایتان صمیمانه مسئلت می‌نمائیم.

بیت العدل اعظم

پیام مرکز جهانی

۱۷ شهرالجمال ۱۶۸ بدیع - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

پیروان جائفشان جمال قدم در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند
دوستان عزیز و محبوب

سوّمین سالگرد مسجونیت اعضای هیئت سابق یاران، یادآور شرایط
دردناکی می‌باشد که جامعه بهائی ایران همچنان با آن رو به رو است. ادامه
این وضع اسفبار ایجاب می‌کند که فرزندان راستین این سرزمین درباره
علل بنیادین این ظلم و پی‌آمدهای گسترده آن در آینده مملکتی که زمانی
پرچمدار حقوق انسان بوده است، به تفکر و تعمّق پردازند.

امروز بر هر ناظر بی‌طرفی روشن است که هفت نفر اعضای هیئت
سابق یاران، مصداق بارز زندانیان وجدان هستند. بازتاب مکرّر نام این هفت
نفر در رسانه‌های جهان، نمادی از اعتراض ملل عالم به ظلم و ستمی است
که بهائیان ایران، از خُرد و کلان و پیر و جوان، صرفاً به خاطر معتقدات دینی
و باورهای وجدانی خود، در معرض آن قرار دارند: کودکانی که در مدارس
پیوسته از طرف اولیای مدرسه مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند و در نهایت
مظلومیت مجبور به دفاع از شرافت انسانی خود می‌شوند و پدران و مادران
آنان باید در کمال دلشکستگی، این اعمال غیرانسانی را برای فرزندان خود به
نحوی توجیه نمایند که بذر کینه و نفرت در قلوب پاک آنان کاشته نشود؛
جوانانی که از تحصیلات عالیه محروم گشته‌اند و والدین‌شان که خود از

استخدام و شغل و حرفه ممنوع و با مشکلات شدید اقتصادی رو به رو هستند، باید در عین حال درد عدم استطاعت مالی برای برآوردن نیازهای فرزندان دل‌بند خود را نیز تحمل نمایند؛ افرادی که بدون کوچک‌ترین خطا و برخلاف تمام موازین قانونی بازداشت شده و با خشونت مورد بازجویی قرار گرفته، در موخ‌ترین زندان‌ها به بند کشیده می‌شوند و از حقوق حقّه زندانیان نیز محرومند؛ خانواده‌هایی که در معاشرت با همسایگان و دوستان خود باید محتاط باشند، زیرا مأمورین امنیتی، مردم را به شدّت از معاشرت با بهائیان برحذر می‌دارند؛ فرد فرد اعضای جامعه بهائی که به علّت تبلیغات منفی و نشر اکاذیب و توهین به مقدّسات آنان از طرف مسئولین امور، پیوسته احساس ناامنی می‌نمایند؛ و احبّای عزیزی که در شهرها و روستاها، در سراسر ایران، شاهد تخریب و آتش زدن خانه، مزرعه و محلّ کسب و کار خویش و حتّی هتک حرمت و ویرانی قبور عزیزان از دست رفته خود هستند و تظلم و دادخواهی آنان نیز به جایی نمی‌رسد.

البته بهائیان تنها شهروندانی نیستند که در عین بی‌گناهی از حقوق حقّه خود محروم شده و مورد انواع بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند. بسیاری دیگر از مردان و زنان آزاده و شریف آن مرز و بوم نیز برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی و نهایتاً پیشرفت و آبادانی کشور خود، متحمل مشقّات فراوان گردیده، با شهادتی قابل ستایش در مقابل شدیدترین مظالم ایستادگی نموده، تسلیم تعصّبات جاهلیّه و خرافات مبتذله نشده‌اند.

استقامت سازنده شما و نتایج آن از انظار ناظران هوشیار پنهان نیست. ملاحظه فرمایید که چگونه از یک طرف در طیّ سه سال گذشته،

جامعه بهائی اگرچه از موهبت هدايات هيئت‌هاى ياران و خادمين محروم بوده، ولى به مدد تائيدات آسمانى و همت يکايک شما عزيزان، به تمشيت امور خود ادامه داده و ابعاد ابتکارات شخصى و نتايج مشاورات گروهى‌اش گسترشى شايد يافته است. هريک از شما در هر فضا و هر مکان، چه در فسحت ايوان و چه در سلول‌هاى تنگ و تاريک زندان، چون شمع برافروخته يد قدرت رحمان، بر همگان نور اميد و پرتو عشق و محبت افشانده‌ايد. اتحاد جامعه و همبستگى اعضاى آن و قابليت رسيدگى به نيازهاى يکديگر، به مراتب بيشتتر شده، روابط اجتماعى اعضاى آن با آشنايان و همکاران گسترده‌تر و محکم‌تر گشته، پويايى جامعه در راه خدمت به ديگران افزون گردیده و خيل مشتاقان به سوى حريم قدس جانان، مستمراً در حرکت بوده است. فداکارى‌هاى بى‌شمار شما عزيزان، اثرات عميقى نيز در بيدارى وجدان مردمان شريف آن سرزمين داشته است. در همين مدت به برکت جان‌فشانى‌هاى شما، قابليت جامعه بهائى در سراسر عالم براى کمک به ازدياد توان‌مندى مردم جهت تعيين مسير پيشرفت معنوى، اجتماعى و مادى خود، به نحو چشم‌گيرى افزايش يافته و توجه عموم به ويژه جوانان به مطالعه حقايق اين آيين نازنين، بيش از پيش جلب شده و تمايل آنان براى مشارکت در مشروع عظيمى که بهائيان به آن اشتغال دارند، فزونى گرفته است.

از سوى ديگر، کذب اتهامات وارده از طرف متعصبين بر بهائيان در پيشگاه وجدان مردم ايران و جهان به اثبات رسيده، آرزوى دشمنان ديرينه براى تضعيف جامعه اسم اعظم در آن سرزمين بر باد رفته و اقوال و ادعاهاى دروغين مسئولين امور در نزد خاص و عام، بى‌اعتبار شده است. در عين

حال تضییقات وارده به دیگر شهروندان نیز گسترش یافته است. سنت شوم زورگویی و ستم پیشگی چنان بر آن سرزمین حاکم گردیده که هیچ یک از ایرانیان از گزند آن در امان نیست. به نظر می‌رسد که اولیای امور از این حقیقت غافلند که به شهادت تاریخ، ظلم و ستم هرگز بقای هیچ نظامی را تضمین ننموده است. ملاحظه فرمایید که چگونه نظریات و خواسته‌های افراد نادیده گرفته می‌شود و حقوق انسانی آنان همواره پایمال می‌گردد، گویی آنچه در نزد اولیای امور از کمترین اولویت برخوردار است رفاه، آسایش، ترقی و سعادت توده مردم است. نتیجه دردناک این فجایع بر همگان روشن است. حضرت بهاءالله، فرزند ارجمند ایران زمین، در الواح مهیمن خود به حکمرانان جهان توصیه می‌فرمایند که مظهر عدل و انصاف باشند، به قدرت و لشکر و خزائن خود اطمینان نکنند و دست خود را از ظلم کوتاه نمایند. به آنان هشدار می‌دهند که مردمان سرمایه و ذخایر اصلی هر سرزمین هستند، مبدا امور آنان را به دست سارقین بسپارند. از اولیای امور می‌خواهند که آنچه را برای خود می‌پسندند برای مردم نیز اختیار نمایند، از غرور بپرهیزند، از صرف ذخایر مملکت در راه مقاصد شخصی و تحمیل سختی و مشقت بر مردم اجتناب نمایند و از آه و ناله مظلومان بهراسند. هیکل مبارک تأکید می‌فرمایند که اگر چنین کنند، دیگر صرف مبالغ هنگفت برای انباشتن اسلحه لزومی نخواهد داشت، آزادی و صلح و آشتی مستقر خواهد شد و ملک و ملت آسایش خواهد یافت.

آرزوی اهل بهاء به فرموده حضرت عبدالبهاء آن است که "... ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیت

محضه در قطب امکان برافرازد..." این بینش روحانی است که به شما نیرو می‌بخشد تا به رغم همهٔ مشقّات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد می‌شود، هم‌چنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید. پس کماکان به حکمت‌های بالغه و وعود حتمیهٔ الهیه ناظر باشید، با اطمینان کامل به آینده بنگرید و همچون گذشته زندگی خود را وقف خدمت به نوع انسان نمایید؛ به انجام وظایف روحانی فردی خود قائم باشید، گفتمان‌های هدف‌مند خود را در فضاهاى موجود، با جدیت دنبال کنید و در فعالیت‌های اجتماعی و امور عام‌المنفعه تا حدّ امکان مشارکت نمایید. در راهی که برای زندگی خود انتخاب کرده‌اید با شادی و سرور گام بردارید و مطمئن باشید که در تحمّل شداید و بلایا، شریک مولای توانای خود هستید. به یاد فرد فرد شما عزیزان در اعتاب مقدسهٔ علیا دست به دعا بر می‌داریم و این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء را به یاد می‌آوریم که می‌فرماید:

... یاران ایران از جان و روان عزیزترند زیرا در سبیل الهی امتحانات شدیده دیده‌اند، صدمات عظیمه تحمّل کرده‌اند، خانه و کاشانه به تالان و تاراج داده‌اند، هدف تیر ملامت گشته‌اند و آماج سنگ شمات شده‌اند، جان و روان فدا نموده‌اند و از بوتهٔ افتتان و آزمایش مانند ذهب خالص با روی شکفته بیرون آمده‌اند. لهذا در نزد عبدالبهاء از جان عزیزترند و در نزد ملاء اعلیٰ معزّز و محترم. لهذا به هریک که رسی آن جان پاک را در آغوش گیر و از طرف من بیوی و بیوس. اگر چنین نمایی مذاق این مشتاق حلاوت بی‌متها یابد و سبب سرور کلی گردد ...

امضاء: بیت‌العدل اعظم

پیام بیت‌العدل اعظم

۱۳ شهرانور ۱۶۸، ۲۷ خرداد ۱۳۹۰

احبتای عزیز الهی در مهد امرالله ملاحظه فرمایند

ای حبیبان باوفا،

خبر یورش مأمورین امنیتی به منازل بعضی از همکاران مؤسسه علمی آزاد و دستگیری جمعی از آن خادمان فداکار موجب نهایت تأثر گردید، اما گزارشات واصله از عزم راسخ شما عزیزان در استمرار کسب علم و دانش موجب سرور و مباهات این جمع است.

یکی از پیامدهای انقلاب ۱۳۵۷ اخراج اساتید بهائی از دانشگاه‌ها و محرومیت جوانان بهائی از تحصیل در مؤسسات آموزش عالی بود. هرچند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مدّعی تساوی حقوق همگان می‌باشد و در قوانین مدنی کشور نیز مجوزی برای تحمیل این محرومیت وجود ندارد و اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز از امضاء کنندگان آن است، صریحاً دسترسی به آموزش عالی را حقّ مسلّم هر انسان می‌شمرد، ولی صاحبان قدرت تحت تأثیر تعصّبات جاهلانۀ مذهبی و برخلاف قوانین ملّی و موازین بین‌المللی، این تبعیض را خطّ مشی رسمی دولت قرار داده و با تمام قوا به اجرای آن پرداخته‌اند.

با قید ستون مذهب در تقاضانامه امتحانات سراسری، جوانان بهائی نتوانستند به دانشگاه‌های ایران وارد شوند، زیرا تنها راه موجود، توسّل به دروغ و کتمان عقیده بود. از آنجایی که دادخواهی اساتید و دانشجویان بهائی در دستگاه قضایی مملکت به جایی نرسید، جامعه بهائی بر آن شد که امکاناتی فراهم سازد تا اساتید اخراج شده به آموزش جوانان محروم از تحصیل بپردازند. بسیاری از دیگر افراد جامعه نیز به طرق مختلف از این اقدام خیرخواهانه حمایت نمودند. بدین ترتیب این ابتکار آموزشی و این حرکت خودجوش بر اساس فداکاری علاقه‌مندان به کسب علم و دانش، بدون تحمیل هیچ گونه مشکل و هزینه‌ای به دولت، در شرایطی دشوار آغاز گردید و به تدریج توسعه یافت و در اواخر دهه ۱۳۶۰ نام مؤسسه علمی آزاد را به خود گرفت. به مرور اساتید عالیقدر دیگری چه در داخل و چه در خارج که برخی حتی عضو جامعه بهائی هم نبودند، با این مؤسسه به همکاری پرداختند.

ممانعت جوانان بهائی از ورود به دانشگاه‌های مملکت ادامه یافت تا این که به دنبال اعتراضات شدید مکرر از اکناف جهان، در سال ۱۳۸۴ نماینده دولت ایران مزورانه به جامعه بین‌المللی چنین توضیح داد که ذکر دین در اوراق امتحانات ورودی دانشگاه‌ها، به عقاید مذهبی دانشجویان ارتباطی ندارند، بلکه به رشته مطالعات مذهبی وی اشاره می‌کند. جوانان بهائی با شک و تردید فراوان نسبت به صحت این توضیح، ولی به خاطر ابراز حسن نیت آن را پذیرفتند و با وجود مشکلات جدیدی که برایشان فراهم شده بود، از سال ۱۳۸۵ به بعد، عده‌ای از آنان توفیق ورود به دانشگاه را یافتند. اما به

زودی روشن شد که اظهارات نماینده دولت به جامعه بین‌المللی کذب محض بوده است، زیرا در سال ۱۳۸۵ مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در نامه‌ای محرمانه به مقامات هشتاد و یک دانشگاه کشور دستورالعملی ابلاغ نمود مبنی بر این که دانشجویان بهائی باید به محض شناسایی اخراج گردند.

خط مشی رسمی دولت ایران برای کاهش توانایی جامعه بهائی و سعی در تبدیل آن به جامعه‌ای ناپایدار در سند محرمانه‌ای مندرج است که در سال ۱۳۶۹ از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور به امضای حاجت‌الاسلام سید محمد رضا هاشمی گلبایگانی، دبیر وقت شورا صادر گردیده و به تصویب رهبر جمهوری اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رسیده است. در این سند، از مراجع دولتی خواسته شده که "راه ترقی و توسعه" بهائیان مسدود شود و دستور صریح داده شده است که "در دانشگاه‌ها چه در ورود و چه در حین تحصیل، چنانچه احراز شده بهائی‌اند، از دانشگاه محروم شوند." در نتیجه در طی سی سال گذشته، چه از طریق قید ستون مذهب در تقاضانامه‌ها، چه به بهانه "نقص پرونده" از طرف سازمان سنجش آموزش کشور و چه با اخراج به محض شناسایی به نام بهائی، در زمان ثبت نام، در حین تحصیل و حتی در هفته‌های پایانی تحصیلات، جوانان بهائی از تحصیل در دانشگاه‌های ایران و اخذ مدرک تحصیلی محروم بوده‌اند.

حمله اخیر به منازل همکاران مؤسسه علمی آزاد چهارمین کوششی است که برای سرکوبی این فعالیت سازنده و خودکفای جامعه بهائی به عمل

آمده است. اولیای امور در عین حال که با حیل مختلف و با جدیت تمام از ورود جوانان بهائی به دانشگاه ممانعت می‌نمایند، به هر نیرنگی نیز متوسل می‌شوند تا این خطّ مشی ننگین خود را از ملت ایران و از جامعه بین‌المللی و از مدافعات حقوق بشر پنهان نگاه دارند. زمانی با دروغ و ریا در مقام انکار آن برمی‌آیند و در مواقعی با تهمت‌هایی که دیرزمانی است در دادگاه وجدان مردم از حیّز اعتبار ساقط شده، سعی در توجیه اعمال خود دارند. حال نیز در کمال وقاحت و با تلاشی مذبوحانه، به امید جلب پشتیبانی مردم و جامعه بین‌المللی از غیرقانونی بودن فعالیت‌هایی دم می‌زنند که جامعه بهائی برای آموزش جوانان خود مجبور به انجام آن شده است. از ابتدای شروع این ابتکار آموزشی، بر همگان روشن بود که صدور هر نوع مدرک رسمی از طرف این مؤسسه غیرممکن خواهد بود، ولی درس‌های ارائه شده از بالاترین معیارها برخوردار بوده و سعی شده است که فارغ‌التحصیلان شرایط لازم برای دریافت مدارک تحصیلی عالی برحسب موازین دانشگاه‌های معتبر جهان را دارا باشند. با توجّه به استعداد و اشتیاق دانشجویان به کسب علم و دانش، شماری از دانشگاه‌های معتبر در اروپا، استرالیا، امریکا، کانادا و هندوستان، به قابلیت و عمق موفقیت‌های علمی فارغ‌التحصیلان این مؤسسه پی برده و آنان را حتّی بدون مدرک رسمی لیسانس برای ادامه تحصیلات در سطح فوق لیسانس و دکترا پذیرفته‌اند. اکثر این دانشجویان پس از دریافت مدارک عالی، با نهایت فداکاری به ایران بازگشته و به نوبه خود به تدریس در مؤسسه مشغول شده‌اند. در تحت چنین شرایطی و با توجّه به عدم صدور مدرک رسمی از طرف مؤسسه، غیرقانونی شمردن مجهودات جامعه بهائی در

جهت آموختن علم و دانش به جوانان خود اظهار پوچ و بی‌اساس است. این ادّعی باطل به مثابه آن است که جمعی از شهروندان از دسترسی به ارزاق موجود ممنوع شوند و هرگاه آن محرومان برای سدّ جوع با تحمّل مشقّت فراوان به کِشت و زرع در حیاط خانه خویش پردازند، آن را عملی غیرقانونی دانسته به تخریب محصول‌شان اقدام نمایند. تداوم در این اقدامات انسان ستیز، نشانهٔ سماجت غیرمعقول مسئولین امور در جلوگیری از پیشرفت اجتماعی بهائیان ایران به خاطر معتقدات دینی آنان می‌باشد.

برای هر ایرانی اصیل و شریف جای بسی تأسف و تألم است که در کشور دانش‌پروری که مرامش "ز گهواره تا گور دانش بجوی" بوده است و در نظامی که خود را معرّف و محافظ تعلیم پیامبر اسلام (ص) می‌داند که می‌فرماید "اطلبوا العلم ولو بالصّین"، عده‌ای که نه به افتخارات شکوهمند فرهنگی این سرزمین پای‌بند بوده و نه از ارزش‌های اسلامی بهره گرفته‌اند، صرفاً تحت تأثیر تعصّبات قشری مذهبی، به خود اجازه می‌دهند که برخلاف همهٔ موازین انسانی و حتّی بدون توجّه به قوانین مصوّبهٔ کشور خود، جمعی از جوانان هم‌وطن خویش را از تحصیلات عالی محروم نمایند. اکنون با گذشت سی سال، ابعاد این نقض فاحش حقوق بشر در ایران آن چنان گسترش یافته که طیف وسیع محرومیّت‌های دانشگاهی هزاران دانشجو استاد دگراندیش را در بر گرفته و کار به جایی رسیده است که صحبت از ایجاد محدودیّت‌های جدیدی در تحصیلات عالی برای نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان باکفایت آن مرز و بوم می‌نماید.

قبول تعلیم حضرت بهاءالله مستلزم جهد در راه بلوغ روحانی فردی

و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به منظور کمک به بنای جامعه‌ای شکوفا و خدمت در جهت رفاه عمومی می‌باشد. علم و دین دو نظام دانایی مستقل اما مکمل یکدیگر و محرک پیشرفت تمدن می‌باشند. به فرموده حضرت عبدالبهاء ”ترقی عالم انسانی به دانائیت و تدّنی عالم بشری به نادانی. نوع بشر چون دانایی افزایش رحمانی گردد و چون دانش آموزد ربّانی شود.“

کوشش در راه کسب علم و دانش و تحصیل فنون مفیده از معتقدان اهل بهاء محسوب می‌گردد. بنابراین راه حلّ دراز مدتی که شما عزیزان برای مقابله با مشکلات تحمیلی در راه تحصیلات عالی انتخاب کرده‌اید، همکاری مثبت با دیگر علاقه‌مندان صلح و آشتی جهت ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و قانون‌مند بر اساس ترویج علم و دانش و عدالت اجتماعی می‌باشد. شما اهل وفا و عاشقان جمال کبریا که همواره در طوفان بلایا و تندباد رزایا، همچون کوه استوار و پایدار مانده‌اید، با ایمان به بیانات مبارکه، هر نعمت و هر مشکلی را فرصتی جدید برای خدمت می‌انگارید. از این رو مصمم هستید تا با پویایی و تمسک به حبل صبر و بردباری به فعالیت‌های آموزشی مؤسسه ادامه دهید و بپذیرید که حملات اخیر طبیعتاً مشکلاتی موقت به دنبال داشته‌اند و موجب تعویق و در عین حال تعدیل در بعضی از امور خواهد گشت. به اهمیت اتحاد و اتفاق جامعه که بخصوص در این دوران پُر افتتان حافظ و حامی شما است به خوبی واقفید و در هر حال به تأییدات لاریبته حضرت پروردگار امیدوار می‌باشید. ملت هوشیار ایران و دیگر خیرخواهان جهان با شما هستند. این مشتاقان نیز با مراقبت کامل امور را دنبال می‌کنند. مطمئن باشید که تجربیات ارزنده شما در راه ارائه تحصیلات عالی به دانشجویان

محروم از تحصیل، کمکی مؤثر به توسعه علم و دانش در بین جوانان برومند آن ملت دانش پرور خواهد بود و ستم دیدگان بی شمار جهان از شیوه سازنده و صلح آمیز شما برای مقابله با ظلم و ستم، سرمشق خواهند گرفت. در اعتاب مقدسه علیا به یاد شما عزیزان دست به دعا برمی داریم و با کمال تضرع و ابتهال از درگاه حضرت ذوالجلال رجا می نمایم که ابواب آزادی و رخا بر وجه آن سالکین طریق وفا مفتوح گردد.

بیت العدل اعظم



قسمتی از ترجمه پیام ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ بیت العدل اعظم،

خطاب به بهائیان عالم

مندرج در شماره دوم سال اوّل عندلیب، ص ۸

”... فی الحقیقه این موج جدید بلایا و تضییقاتی که مهد امرالله را در بر گرفته، می‌توان توفیقی اجباری دانست، یعنی ”عنایتی“ که ”بلا“یش را طبق معمول، جامعه محبوب احبّای ایران قهرمانانه پذیرا شده‌اند. این حوادث را می‌توان حرکت اخیر در نقشه عظیمه الهی دانست و نفحه دیگری محسوب داشت که در صور الهی جهت بیداری غافلان از خواب غفلت دمیده می‌شود و فرصتی طلایی برای احبّاء به شمار آورده که بار دیگر وحدت و یگانگی خود را در مقابل دیدگان جهانِ مردّد و شکاک و رو به زوال عرضه کنند و پیام حضرت بهاءالله را با قوّت تمام به وضیع و شریف، یکسان، اعلان نمایند...”



دستخط بیت العدل اعظم

ترجمه‌ای از پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان
رضوان ۲۰۱۲ میلادی (۱۶۹ بدیع)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

صد سال پیش در بعد از ظهر روز یازدهم عید اعظم رضوان، حضرت عبدالبهاء در حالی که جمعیتی چند صد نفری در حضور مبارک ایستاده بودند، اولین کلنگ بنای مشرق‌الاذکار را در گروس پوینت (Pointe Grosse) واقع در شمال شیکاگو (Chicago) بر زمین زدند. نفوسی که برای شرکت در این مراسم شکوه‌مند در آن روز بهاری دعوت شده بودند از پیشینه‌های مختلف از جمله نروژی، فرانسوی، هندی، ژاپنی، ایرانی و امریکایی بومی بودند. گویی معبدی که هنوز ساخته نشده بود، منویات مرکز میثاق را تحقق می‌بخشید چه که در شامگاه قبل از این مراسم درباره مشرق‌الاذکار فرموده بودند: “تا نوع بشر مکانی جهت اجتماع داشته باشد” و “اعلان وحدت عالم انسانی از صحن مقدّس آن بلند شود.”

مستمعین آن حضرت در این مراسم و تمام کسانی که در طول سفرهای ایشان به مصر و ممالک غرب خطابات مبارک را استماع می‌کردند یقیناً مفاهیم گسترده این بیانات را برای اجتماع و ارزش‌ها و مشاغل ذهنی آن

به خوبی درک نمی کردند. حتی امروز چه کسی می تواند ادعا کند که قادر است از اجتماع آینده ای که مقدر است در ظلّ این ظهور اعظم جلوه نماید جز تصویری مبهم چیزی در ذهن خود مجسم نماید؟ احدی نباید تصوّر کند که مدنیّتی که تعالیم الهی نوع بشر را به سوی آن پیش می برد صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصوّر بسی دور از حقیقت است. حضرت عبدالبهاء در خطابه ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه امّ المعابد غرب ایراد نمودند فرمودند که: "از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آنست که عالم انسانی ترکیب اجتماعی جدیدی به خود خواهد گرفت." و "عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد." این کلمات و دیگر بیانات بی شمار مرکز میثاق که در این دوره بزرگداشت صدمین سال اسفار تاریخی آن حضرت مکرراً مورد مطالعه و مداقه جامعه بهائی قرار می گیرد سبب افزایش آگاهی نسبت به تفاوت فاحشی است که بین اجتماع امروز و دیدگاه شگفت انگیزی که حضرت بهاء الله به عالم عطا فرموده اند، وجود دارد.

با وجود مساعی قابل تحسین افراد خیراندیشی که در سراسر عالم در جهت اصلاح وضع اجتماع فعّالیت می کنند، متأسفانه در افکار بسیاری از مردم، موانعی برطرف نشدنی راه تحقق چنین دیدگاهی را سدّ می کند. آمال این قبیل افراد در اثر فرضیات غلط درباره ماهیّت انسان درهم می شکند، فرضیاتی که چنان در ساختار و سنن قسمت عظیمی از زندگی کنونی بشر رسوخ کرده که به صورت حقایقی معتبر درآمده است. چنین به نظر می رسد که این فرضیات منابع خارق العاده قوای مکنونه روحانیه ای را که در دسترس

نفوس مشتعل به نار محبت الله قرار دارد نادیده می گیرد و در عوض برای توجیه فرضیات خود بر قصور بشر که هر روز نمونه های آن حسن نومیدی عمومی را تشدید می نماید اتکا می کند. بدین ترتیب حجاب ضخیمی از فرضیات نادرست این حقیقت بنیادین را می پوشاند که اوضاع جهان تحریفی از روح بشر را منعکس می سازد و نه ماهیت اصلی آن را. مقصد هریک از مظاهر مقدسه الهی تقلیب نوع بشر هم در حیات باطنی و هم در شئونات ظاهری است. با فعالیت گروه فزاینده ای از مردم که بر اساس تعالیم الهی متحد گشته و جمعاً می کوشند تا استعداد های روحانی را برای کمک به یک فرایند تحوّل اجتماعی توسعه دهند، این تقلیب به طور طبیعی حاصل می شود. تئوری های متداول عصر حاضر همانند زمین سختی که یک قرن پیش مرکز میثاق بر آن کلنگ زدند، ممکن است در ابتدا تغییرناپذیر به نظر برسد اما بدون شک به تدریج زائل شده و "از زمین دل به یاری باری ژاله بخشش لاله دانش بروید."

الحمد لله که شما اعضای جامعه اسم اعظمش به مدد قوه کلام الهی دست اندر کار ایجاد محیطی هستید که در آن ادراک حقیقی می تواند شکوفا شود. حتی نفوس پاکی که در راه امر مبارک سختی زندان را تحمل می نمایند با فداکاری و استقامت غیر قابل وصف خود موجب می شوند که "سنبلات علم و حکمت" در قلوب مستعدّه شکوفا گردد. نفوس مشتاق در سراسر عالم با اجرای سیستماتیک مفاد و مندرجات نقشه پنج ساله، به کار ساختن جهانی نو مشغولند. خصوصیات نقشه آن چنان به خوبی درک گردیده که در این مقال نیازی به شرح بیشتر آن نیست. با تضرّع و ابتهال از آستان خداوند

متعال رجا می‌نماییم که جنود ملاء اعلی در راه پیشرفت نقشه هریک از شما عزیزان را یار و یاور باشد. امید و طید این جمع که با مشاهده مجهودات سال گذشته شما قوت بیشتری گرفته آن است که با عزمی جزم و اطمینانی کامل دانشی را که از راه تجربه کسب می‌کنید بیش از پیش به کار بندید. وقت وقت آسایش و فراغت نیست. هنوز افواج بی‌شماری از مردم از طلوع صبح هدی بی‌خبرند. چه کسی به جز شما عزیزان می‌تواند حامل پیام الهی باشد؟ حضرت بهاءالله می‌فرمایند که این امر اعظم عرصه بینش روحانی و انقطاع از عالم مادی است و میدان مشاهده و ادراک و تعالی. جز فارسان حضرت رحمان و سالکان طریق ایمان و منقطعین از عالم امکان، نفسی را در آن مجال جولان نبوده و نیست.

مشاهده عالم بهائی در حالی که به انجام وظایف خویش مشغول می‌باشد چشم‌اندازی بس روشن است. در حیات افراد مؤمنی که بیشتر از هر چیز آرزومندند دیگران را به عبادت پروردگار بی‌نیاز و خدمت به عالم انسانی فرا خوانند، نشانه‌های تقلیدی روحانی را می‌توان یافت که ربّ مجید برای هر نفسی اراده فرموده است. در روحیه‌ای که مشوق و محرک فعالیت‌های هر جامعه بهائی است - جوامعی که هم خود را وقف افزایش توانمندی اعضای خود از پیر و جوان و نیز دوستان و همکاران خود برای خدمت به مصالح عمومی می‌نمایند - می‌توان بینشی از چگونگی بسط و توسعه یک اجتماع یافت که بر اساس تعالیم الهی پایه‌ریزی شده است، و در آن محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته‌ای که فعالیت در چارچوب نقشه افزایش یافته و نیاز به ایجاد انسجام در بین خطوط عمل کاملاً احساس می‌شود،

بسط ساختارهای اداری نمایان‌گر بارقه‌ای است از این که چطور مؤسسات امری به تدریج مسئولیت‌های بیشتر و جامع‌تر خود را در جهت ترویج رفاه و پیشرفت بشریت به عهده خواهند گرفت. بنابراین واضح است که بلوغ و تکامل فرد، جامعه و مؤسسات بسیار امیدبخش است ولی فراتر از این، با نهایت سرور شاهد آن هستیم که روابطی که این سه را به هم پیوند می‌دهد سرشار از محبت و حمایت متقابل است.

ولی روابط بین سه همتای این بازیگران در جهان - یعنی شهروندان، هیئت اجتماع، و نهادهای اجتماع - بالعکس نمایان‌گر نزاع و نفاق است که از خصوصیات مرحله متلاطم انتقال و تحوّل می‌باشد. این سه بازیگر که مایل نیستند به مثابه اجزای وابسته یک کلیت ارگانیک عمل نمایند، در چنگ تلاشی بیهوده و بی‌ثمر برای کسب قدرت اسیرند. چقدر متفاوت است اجتماعی که حضرت عبدالبهاء در الواح و خطابات بی‌شمار خود ترسیم فرموده‌اند، اجتماعی که در آن جمیع روابط، از تعاملات روزانه گرفته تا مناسبات میان کشورها، بر اساس آگاهی از وحدت نوع انسان استوار است. هم اکنون بهائیان و دوستانشان در دهکده‌ها و محله‌ها در سراسر جهان به ایجاد و ترویج روابطی قائمند که مشحون از این آگاهی است و روایح جان‌بخش همکاری و الفت و محبت از آن به مشام می‌رسد. در چنین فضای بی‌تکلف و بی‌ادعایی، به جای کشمکش‌ها و درگیری‌های رایج در اجتماع، گزینه‌ای مشهود در حال ظهور و بروز است. بدین ترتیب آشکار می‌گردد که فردی که مایل است به نحوی مسئولانه به ابراز عقاید شخصی خود بپردازد در مشورت‌هایی که هدف آن ترویج خیر عمومی است متفکرانه شرکت

می‌کند و از وسوسهٔ اصرار بر عقاید شخصی دوری می‌جوید. مؤسسات بهائی با آگاهی از ضرورت اقدام هماهنگ برای حصول نتایج سودمند، هم خود را صرف تربیت و تشویق می‌کنند نه کنترل و سلطه جویی. جامعه‌ای که مایل است مسئولیت ترقی و پیشرفت خود را در دست گیرد اتحاد حاصله از مشارکت صمیمانه در اجرای نقشه‌های مؤسسات را سرمایه‌ای ارزشمند به شمار می‌آورد. تحت تأثیر ظهور حضرت بهاءالله، روابط بین این سه عامل، حیاتی تازه و صمیمیتی بی‌اندازه می‌یابد. این روابط در مجموع محیطی را به وجود می‌آورند که در آن به تدریج یک مدنیت روحانی جهانی که جلوه‌گاه الهامات الهی است شکوفا می‌گردد.

چنین مقدّر است که انوار این ظهور اعظم کلیهٔ میادین تلاش بشری را منور سازد. در هریک از این میادین، روابطی که سبب بقا و دوام اجتماع است باید از نو طرح‌ریزی گردد و در هر یک، جهان در جستجوی نمونه‌هایی از چگونگی رفتار انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌باشد. بجاست که در این مقال حیات اقتصادی نوع بشر را ملاحظه فرمایید که سهم آشکاری در ایجاد اضطراب و انقلاباتی دارد که اخیراً مردم بسیاری را گرفتار نموده است، اقتصادی که در آن بی‌عدالتی با بی‌تفاوتی اغماض می‌گردد و کسب منافع بی‌حدّ و حصر محکّ مؤفّقیت شناخته می‌شود. ریشهٔ این طرز فکر زبان‌بار آن چنان عمیق و محکم است که نمی‌توان تصوّر نمود که احدی بتواند به تنهایی معیارهای متداولی را که بر روابط موجود در این عرصه حکم فرماست تغییر دهد. با این حال، سلوک و روش‌هایی وجود دارد که یک فرد بهائی در هر حال از آن اجتناب می‌ورزد مانند تقلّب و عدم صداقت در

معاملات و یا استثمار اقتصادی دیگران. پیروی تام از نصایح الهی مستلزم آن است که در زندگی یک فرد بهائی هیچ تناقضی بین رفتار و کردار اقتصادی و معتقداتش وجود نداشته باشد. با به کار بردن اصول بهائی مربوط به عدالت و انصاف در زندگی شخصی، یک فرد به تنهایی می‌تواند موازینی را رعایت و حمایت نماید که به مراتب بالاتر از معیارهایی است که جهان خود را با آن می‌سنجد. نوع بشر از فقدان الگویی از زندگی که بتواند از آن الهام بگیرد به ستوه آمده است. چشم امید ما به شما عزیزان است تا جوامعی پرورش دهید که روش و سلوک‌شان امیدبخش جهان و جهانیان گردد.

در پیام رضوان سال ۲۰۰۱ اشاره نمودیم که در کشورهایی که فرایند دخول افواج به حدّ کافی پیشرفت کرده و شرایط جوامع ملّی مساعد باشد، تأسیس مشرق‌الاذکار ملّی را تصویب خواهیم نمود و شروع این کار یکی از ویژگی‌های عهد پنجم عصر تکوین امر بهائی خواهد بود. اکنون با شعفی بی‌پایان اعلان می‌داریم که مقرر است دو مشرق‌الاذکار ملّی یکی در کشور جمهوری دموکراتیک کنگو (Democratic Republic of the Congo) و دیگری در پاپوآ گینه نو (Papua New Guinea) بنا شود. در این دو کشور ملاک‌هایی که تعیین نمودیم به نحوی آشکار تحقق یافته و پاسخ مردم به امکاناتی که سلسله نقشه‌های کنونی به وجود آورده خارق‌العاده بوده است. با پیشرفت ساختمان آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در سانتیاگو (Santiago)، شروع پروژه‌هایی برای تأسیس مشرق‌الاذکارهای ملّی نشانه رضایت‌بخش دیگری از نفوذ و رسوخ امر الهی در تار و پود اجتماعات بشری است. گام مهم دیگری نیز امکان‌پذیر است. مشرق‌الاذکار که حضرت

عبدالبهاء آن را یکی از "اعظم تأسیسات عالم انسانی" توصیف فرموده‌اند دو جنبه‌ی اساسی و تفکیک‌ناپذیر حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت را به هم می‌پیوندند. پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعالیت‌های جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است، بخصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلی است و فرایند آموزشی که توانمندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد می‌نماید. ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرّک و اشتغال به فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیر می‌باشد. بعضی از این محدوده‌ها به عنوان جایگاه‌های نشر یادگیری تعیین شده‌اند تا توانایی دوستان را برای پیشبرد برنامه‌ی نوجوانان در مناطق مربوطه پرورش دهند. همانطور که اخیراً اشاره کرده‌ایم توانمندی برای تداوم بخشیدن به برنامه‌ی نوجوانان موجب توسعه‌ی حلقه‌های مطالعه و کلاس‌های کودکان نیز می‌گردد. بدین ترتیب جایگاه یادگیری علاوه بر هدف اولیه‌اش تمامی طرح ترویج و تحکیم را تقویت می‌نماید. در این قبیل محدوده‌های جغرافیایی است که می‌توان طی سال‌های آینده تأسیس یک مشرق‌الاذکار محلی را مورد تأمل قرار داد. با قلوبی مملوّ از سپاس به آستان جمال قدم و در نهایت سرور به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم که مشورت با محافل روحانی ملی مربوطه درباره‌ی بنای اولین مشرق‌الاذکار محلی در هریک از محدوده‌های جغرافیایی زیر در شرف آغاز است: باتامبانگ (Battambang) در کامبوج (Cambodia)، بیهار شریف (Sharif Bihar) در هندوستان (India)، ماتوندا سوی (Matunda Soy) در

پیام بیت العدل اعظم

۱۴ شهرالجمال ۱۶۹، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱

پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

نزدیک شدن سالگرد دستگیری غیرقانونی اعضای هیئت سابق یاران و کارکنان مؤسسه علمی آزاد، یادآور تضییقات وارده بر آن عزیزان و دیگر احبای جانفشان مهد امرالله است. چهار سال از مسجونیت اعضای هیئت سابق یاران می گذرد. مبارزه سرسختانه با تلاش آرام جوانان بهائی برای دسترسی به تحصیلات عالی هم چنان ادامه دارد و خادمان مؤسسه علمی درواقع به جرم کمک به گسترش آموزش و پرورش و ترویج علم و دانش در زندان بسر می برند.

اگرچه وسعت این بی عدالتی ها حسن هم دردی ناظران آگاه را در سراسر عالم برانگیخته، ولی ستمی که همواره نسبت به اعضای جامعه بهائی ادامه داشته شدّت یافته و ابعاد موحش و غیرانسانی آن کودکان و نوجوانان را نیز در بر گرفته است. مردم جهان با تعجب و تأثر شاهد آن بودند که اخیراً طفلی دو ساله با مادر روانه زندان گشت و چند روزی را در بند گذراند. فردی که مقام مقدس معلم را بر خود نهاده، در محیط مدرسه کودک معصومی را به جرم عدم شرکت در نماز جماعت، بی رحمانه مورد ضرب و شتم قرار داد و دست نحیف او را سوزاند. مأمورین دولت به زور وارد منزلی

کِنیا (Kenya)، نورت دل کائوکا (Norte del Cauca) در کلمبیا
(Colombia) و تانا (Tanna) در وانوتو (Vanuatu) .

به منظور کمک به تأسیس این دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج
مشرق‌الاذکار محلی، صندوقی به نام صندوق مشرق‌الاذکار برای همه این گونه
پروژه‌ها در مرکز جهانی تأسیس نوده‌ایم. از احبای عزیز در سراسر عالم
دعوت می‌کنیم که با فداکاری و برحسب توانایی خود در تقدیم تبرّعات به
این صندوق مشارکت نمایند.

همکاران عزیز و محبوب: کلنگی که یکصد سال پیش به ید مبارک
حضرت عبدالبهاء بر زمین زده شد، حال باید در هفت کشور دیگر بر زمین
زده شود. این اقدام نوید دهندهٔ روزی است که به پیروی از دستور حضرت
بهاء‌الله، در هر شهر و دهکده بنایی برای نیایش و عبادت پروردگار ساخته
خواهد شد، از این مطالع ذکر الهی پرتو انوارش ساطع و طنین حمد و ثنایش
مرتفع خواهد گشت.

بیت‌العدل اعظم



شده، درب اطاق را شکسته و در مقابل چشمان وحشت زدهٔ کودک هفت ساله و خواهر نوجوانش، مادرشان را با خود بردند.

در حالی که محرومیت بهائیان از استخدام در ادارات دولتی به قوت خود باقی است، محلّ کار آزاد عدّهٔ کثیری از آنان مورد حمله و جستجو قرار می‌گیرد و با دلایلی بی‌اساس بسته می‌شود. معلمین و اساتیدی که از داشتن شغل دولتی محرومند، به بهانهٔ امکان تبلیغ دیانت بهائی، اجازهٔ تدریس خصوصی را نیز ندارند. خدمات اجتماعی بهائیان حتّی اشتغالشان به امور عادی زندگی روزمره "اقدام علیه امنیّت کشور" تلقّی می‌گردد. دامنهٔ شوم این بُغض و عناد کریه، مُردگان را نیز در بر دارد. نه تنها حملات پیگیر و منظم به قبرستان‌های بهائی و تخریب مراقد ادامه دارد، بلکه در بعضی از مناطق به احباء اجازهٔ دفن اموات بر طبق احکام بهائی داده نمی‌شود. قطع درختان سرسبز این اماکن که با زحمت فراوان پرورش یافته، نمونهٔ دیگری از مساعی مسئولین امور برای وارد ساختن فشارهای روحی بر احباء و بی‌احترامی نسبت به رفتگان‌شان می‌باشد. بهائیان حتّی از گذاشتن گُل بر آرامگاه عزیزانشان ممنوعند، زیرا اولیای امور آن را نیز تبلیغ دیانت بهائی می‌دانند. عجباً که حتّی حیوان بی‌زبانی که یک بهائی در دامداری خود پرورش می‌دهد نیز از مظلّم اولوا البغضاء در امان نیست.

مخالفت‌ها و سرکوبی‌هایی که علیه جامعهٔ بهائی صورت می‌گیرد به اشکال مختلف علیه طیف وسیعی از دیگر شهروندان مملکت نیز اعمال می‌شود، شهروندانی که تنها جُرمشان خواستن آزادی و داشتن جامعه‌ای مبنی بر عدل و انصاف است.

در برابر این همه حق‌گشی‌های آشکار، دُول و ملل کوچک و بزرگ جهان به پشتیبانی از حقوق احبّای ستم‌دیده ایران و دیگر شهروندان مصیبت‌زده آن سرزمین ادامه می‌دهند. سازمان ملل متحد، مجامع معتبر بین‌المللی حقوق بشر، نهادهای دولتی و مدنی، پارلمان‌ها، دانشگاه‌ها، مروجین عدالت، وکلاء، قضات، اساتید، فلاسفه، دیپلمات‌ها، دولت‌مردان و مقامات رسمی در بسیاری از کشورها و شخصیت‌های برجسته از جمله بعضی از سیاست‌مداران مسلمان از شرق و غرب در قطع‌نامه‌ها، گزارش‌ها و اظهارات رسمی خود، این تضییقات را ظالمانه خوانده، خواهان توقّف آن می‌باشند. اقدامات اخیر عامّة مردم جهان نیز قابل توجّه است. به عنوان مثال مراسم برگزار شده در دوازده شهر بزرگ جهان به مناسبت ده‌هزار روز زندانی بودن اعضای سابق یاران و راه‌پیمایی ده‌ها هزار نفر از اهالی برزیل برای دفاع از آزادی مذهب در جهان و اعتراض به نقض حقوق بشر از جمله حقوق بهائیان در ایران را می‌توان نام برد.

در بین ایرانیان شریف، هنرمندان نیز در حمایت از حقوق شهروندی بهائیان به صف سایر روشنفکران منصف و فرهیخته پیوسته‌اند. نکته مهمّ آن است که استمرار این بی‌عدالتی‌ها که چندی قبل سبب شد صاحبان عدل و انصاف سکوت خود را درباره نقض حقوق شهروندی بهائیان شکسته و رسماً پشتیبانی خویش را از حقوق بهائیان اظهار دارند، حال حسن کنجکاوی آنان را بیدار کرده و مایلند بدانند دلیل شدّت یافتن مخالفت با جامعه بهائی چیست. با وقوف بیش از پیش ایرانیان عزیز به نقش سازنده‌ای که بهائیان در آبادانی وطن مقدّس خود داشته‌اند، موانع بی‌شماری که در راه مشارکت شما

در بنای ایرانی پیشرفته ایجاد شده است، تدریجاً رفع می‌گردد و فرصت‌های ارزشمندی در این مسیر در مقابل دیدگان شما رُخ می‌گشاید.

خشونت‌هایی که نسبت به بهائیان و سایر دگراندیشان ایرانی اعمال می‌شود، در حقیقت زائیدهٔ تمسّک به عقاید و اصول منسوخ و سنن و رسوم کهنه‌ای است که اثرات مستقیم و منفی‌اش در همهٔ جنبه‌های حیات اجتماعی آن سرزمین دیده می‌شود. جوّی از تعصّبات جاهلیّه و گرایش‌های خُرافی بر مملکت تحمیل شده و لطمات شدیدی به اعتبار دین و ایمان وارد آمده است. خواسته‌های جوانان عزیز نادیده گرفته می‌شود، علی‌رغم شرافتِ طبع ایرانیان پاک نهاد، معنویّت و ارزش‌های اخلاقی در جامعه به حاشیه رانده شده، تباهی و فساد بسیاری از جوانب اجتماع را در بر گرفته، راستی و صداقت‌گویی از دوایر مدیریت رخت بر بسته و دروغ و تزویر جای‌گزین آن شده، پیوندهای همبستگی و اعتماد که لازمهٔ بقا و پیشرفت یک جامعهٔ زنده و پویاست ضعیف شده، ارگان نظم جامعه متزلزل گشته و گرداب مهیبی از مشکلات و نابسامانی‌ها همگان را در کام خود فرو برده است. ملاحظهٔ این وضع اسف‌بار یادآور بیان مُهِیمن حضرت بهاء‌الله است که می‌فرمایند:

”... گیتی را دردهای بی‌کران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته. مردمانی که از بادهٔ خودبینی سرمست شده‌اند پزشک دانا را از او باز داشته‌اند اینست که خود و همهٔ مردمان را گرفتار نموده‌اند. نه درد می‌دانند، نه درمان می‌شناسند. راست را کژ انگاشته‌اند و دوست را دشمن شمرده‌اند.“

با وجود این شرایط نابسامان، شما طالبان ملکوت از مصائب شدیدهٔ این جهان نومید نشده به مدد اسم اعظم بر عهد و پیمان الهی استوار و در

آرمان‌های شکوهمند و انسان‌دوستانه خود پایدارید و به تحقق آن اطمینانی
 واثق دارید. به یقین مُبین می‌دانید که عصر حاضر دوران دگرگونی‌های عظیم
 و تحولات بنیادین است. نظام‌های فرسوده جهان در حال فروپاشی است و
 در میان تشنّجات ناشی از آن، سلول‌های پیکر نظامی نوین در بطن عالم به
 تدریج تکوین می‌یابد. یقیناً پیام رضوان ۲۰۱۲ را مطالعه فرموده و از
 نشانه‌های جدید نفوذ و رسوخ این امر اعظم در تار و پود اجتماع در سراسر
 عالم آگاهی بیشتری یافته‌اید. ملاحظه فرمایید که پیروان دل‌باخته جمال
 جانان، بخصوص جوانان عزیز، چگونه با شور و ایمان فراوان، در اقصی نقاط
 جهان به کمک دوستان، هم‌کاران، همسایگان و خویشاوندان در دهکده‌ها و
 شهرها به ایجاد محیطی مشغولند که در آن مقدر است یک مدنیت روحانی
 جهانی شکوفا گردد و جوامعی را پرورش می‌دهند که حیاتی جدید را نوید
 می‌دهد و به عالم و عالمیان امید می‌بخشد. پس با ایمان و اتکای همیشگی
 به الطاف بی‌پایان حضرت یزدان به خدمات خالصانه خود ادامه دهید و
 همواره بیانات تسلی‌بخش حضرت ولیّ عزیز امرالله را به یاد آورید که
 خادمان جان‌فشان آیین جمال قدم را اطمینان می‌دهند که در این امر اعظم
 چنان قدرت شگرفتی نهفته است که بر هر امتحان و افتتان فائق آید، از بروز
 مصائب و تضییقات قوّتی جدید گیرد، و بر اثر هر ظلم و ستمی پیروانی تازه
 و نیرویی بی‌اندازه یابد.

به یاد شما عزیزان در اعتاب مقدّسه علیا با کمال محبّت و اشتیاق
 دعا می‌کنم.

بیت العدل اعظم

دَقّت کار در نظر گرفته شده بود و در پایان اخذ آرا، صندوق رأی با نواری چسب بسته و رئیس هیأت ناظران انتخابات، خانم کرن مک‌کای Karen McKye که خود نماینده کانادا بود، روی آن را امضا کرد. سه دستیار او را در محلّ اخذ رأی همراهی می‌کردند و با دَقّت نام رأی دهندگان را با لیست اصلی نام نمایندگان مقابله می‌کردند و بر ریختن آرا به صندوق نظارت داشتند.

اعضاء بیت‌العدل اعظم در روز بعد به شرح زیر اعلام گردید:
پال لمپل Paul Lample، فریدون جواهری، پیمان مهاجر، گوستاو کرا Gustavo Correa، شهریار رضوی، استفان برکلند Stephen Birkland، استفان هال Stephen Hall، چونگو ملتنگا Chuungu Malitonga، ایمن روحانی.

در جلسه‌های مشورتی، نمایندگان بیش از ۱۵۰ کشور - زنان و مردانی از همهٔ پیشینه‌ها و یا هر نوع زندگی - فرصت یافتند، به عنوان بخشی از یک فرایند یادگیری جهانی، افکار، تجارب و بینش‌های خود را به همدیگر ارائه کنند.

در این کانونشن چندین برنامهٔ موسیقی روح‌افزا از کشورهای مختلف اجرا شد. در یکی از برنامه‌ها، نمایندگانی از جمهوری دموکراتیک کنگو به جامعهٔ بهائی ایران که بیش از سی سال در زیر بار ظلم و ستم و آزار رنج می‌برد، ادای احترام ویژه کردند.

غیبت بهائیان ایران، که تمام تشکیلات اداری آن کشور تعطیل شده، با تاج گلی از رُزهای قرمز که در سراسر دوران انجمن در جلوی صحنه قرار

بقیه از صفحه ۲

داشت، به نمایش گذاشته شده بود.

شرکت کنندگان در این گردهم‌آیی با دیدن بهائانی از بیش از ۰ کشور جهان که همگی با هم در نهایت اتحاد و محبت و با یک هدف مشترک در این جا انجمن کرده بودند، وحدت در کثرت و یگانگی نوع بشر را با چشم سر مشاهده می‌نمودند. هیچ بیانی مانند آنچه که در پیام معهد اعلی خطاب به بهائیان ایران در تاریخ بیستم اردیبهشت صادر گردیده، نمی‌تواند گویای عظمت این انجمن باشد. بیت‌العدل اعظم در این باره چنین مرقوم فرمودند:

”ورود بیش از هزار نمایندهٔ منتخب جوامع ملی بهائی از سراسر عالم به ارض اقدس برای شرکت در یازدهمین کانونشن بین‌المللی بهائی با چنان شور و هیجان و شکوه و جلالی همراه بود که مشاهدهٔ آن بی‌اختیار اشک شوق از دیدگان جاری می‌ساخت. اجتماع این خادمان محترم امرالله از زن و مرد و از اقوام و نژادهای گوناگون جهان، نمایی از تنوع نوع بشر بود و گویای دخول امر مبارک به مرحلهٔ جدیدی از تمکّن در بین جوامع محلی و اقوام مختلف در تمام قارات عالم و حاکی از تأییدات ملأ اعلی و تأثیر مساعی خستگی‌ناپذیر پیروان حضرت بهاءالله در راه استقرار ملکوت الهی بر عرصهٔ غبرا.“

عکس دسته‌جمعی شرکت کنندگان در کانونشن، و عکس‌های دیگری که در این جا به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد، گوشه‌ای از این واقعیت را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد.

نقل از مجلهٔ پیام بهائی

پیام دوم ژانویه ۱۹۸۵ بیت‌العدل اعظم خطاب به بهائیان ایرانی مقیم ممالک و دیار سائره در جمیع اقطار عالم

ارسالی منیژه (نینا) مودت

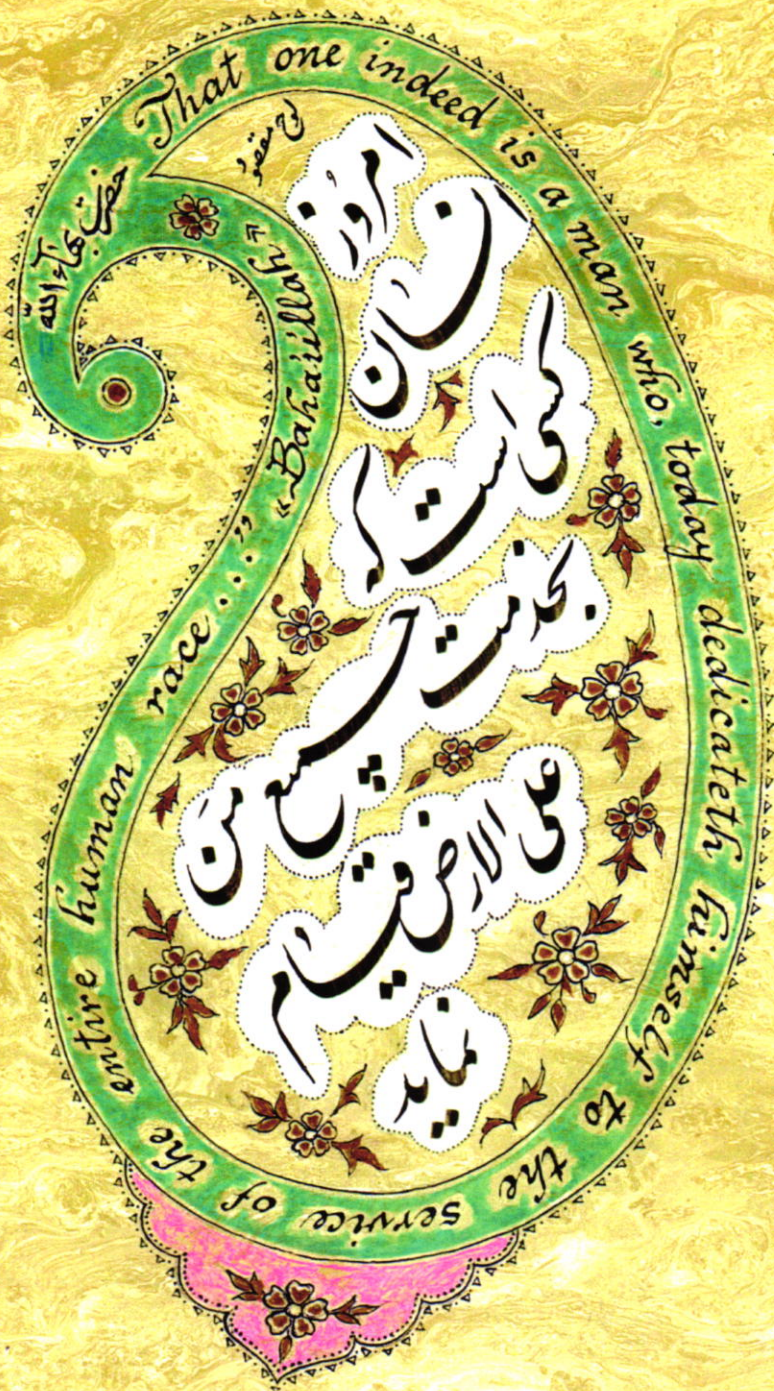
گمان مبرید که آنچه در این زمان در چهار گوشه جهان از جمله کشور مقدس ایران واقع گشته و می‌شود، وقایعی تصادفی و منفرد و بی‌نتیجه و مقصد است. به فرموده مولای عزیز: "ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه اعلان شریعت پروردگار" بلی این همه از تصرّفات خفیه امر اعظم است که ارکان عالم را متزلزل نموده و جهانیان را که از باده غفلت و غرور مست و مخموندند، منصعق و مرتعش ساخته است...

در چنین حال پُر وبالی که اهل عالم پریشان و دانایان اُمم در چاره آلام جهان حیرانند، اهل بهاء به برکت و هدایت آثار مقدّسه یقین دارند که این وقایع مدهشه را هریک علّتی و معنایی و نتیجه‌ای است و کلّ از وسایل ضروریه و استقرار مشیّت غالبه الهیه در جهان محسوب. یعنی از یک طرف، تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تا کاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه به سرمنزل مقصود براند و بتازاند؛ از طرف دیگر، مشتی ضعفاء را در ظلّ هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده تا در این دوره تحوّل و عصر تکوین در میان طوفان‌های سهمگین به ساختن حصّنی حصین که بالمال منزلگاه و پناه آن قافله گمگشته است، همچنان

مشغول باشند. لهذا، یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشایی در مقابل خویش دارند، البته از آنچه پیش آید پریشان خاطر نشوند، از نهیب حادثه نهراسند، در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التهاب نیفتند و آنی از اجرای وظایف مقدسه خویش باز نمانند.

بیت العدل اعظم





یازدهمین کانوشن بین المللی



